

رسانی و اضافه  
مکتبه علمی کاظمی  
مطبوعات  
فارس

امام، سید احمد شهید

در آینه تاریخ

مؤلف: استاد سید ابوالحسن علی ندوی مدظلہ

مترجم: محمد قاسم قاسمی

نام کتاب: مصلح مظلوم، سید احمد شهید، در آینه تاریخ  
مؤلف: متفکر بزرگ اسلام سید ابوالحسن علی ندوی  
ناشر و مترجم: محمد قاسم قاسمی  
حروف چینی: ظریفیان ۳۸۵۲۸۵۷  
تیراژ: ۵۰۰  
نوبت چاپ: اول  
چاپ: چاپخانه مظاہری  
تاریخ چاپ: ۱۳۷۰

## فهرست

انگلیزه ترجمه

مقدمه مؤلف

- |    |   |
|----|---|
| ۱  | پرونده مصلح مظلوم در دادگاه عدل و تحقیق جبهه وسیع اصلاح |
| ۹  | طلبی و تجدید  |
| ۱۰ | از تربیت گاه رای بریلی تا شهادتگاه بالا کوت             |
| ۱۷ | مجاهدین در مقابل دولت بریتانیا                          |
| ۱۸ | نمونه های شکفت انگلیز تربیت و تنظیم                     |
| ۲۱ | عملیات انتقامی دولت بریتانیا و استقامت بی نظیر مجاهدین  |
| ۲۲ | در زندان انگلیس در سال ۱۸۶۴ میلادی                      |
| ۲۵ | طرحهای مفید و تاکتیک های بهتر                           |
| ۲۷ | تجدید احیاء دین و اصلاحات انقلابی                       |
| ۳۰ | احیاء نظام رهبری و امامت                                |
| ۳۱ | احیاء فریضه حج  |
| ۳۱ | نکاح بیوه زنان  |
| ۳۲ | مظلومی دختران   |

الف

۳۴	آثار گسترده و همه جانبه
۳۴	نویسنده گان غربی و روش معاندانه آنان
۳۵	زندگانی معروف و تاریخ محفوظ
۴۱	نمونه هایی از عناد و تعصب
۴۳	شرقی های غرب زده
۴۶	اعترافات همصران معروف
۵۱	نویسنده گان غرب اعتراف می کنند
۵۲	جانشین رسول اکرم و امام کامل
۵۳	عوامل سازنده شخصیت امام سید احمد شهید خاتمه

## انگیزه ترجمه

الحمد لله ، رب العالمين و الصلوة والسلام على رسوله و آله و صحبه  
اجمعين چند سال پیش نزد یکی از دوستان تحصیل کرده و با ذوق کتابی  
دیدم مشتمل بر شرح حال «جواهر لعل نھرو» یکی از رهبران اسبق  
هندوستان. سوال کردم، این کتاب را خوانده اید؟ جواب داد بلی! کتاب را  
خوانده ام، مبارزات این شخص مرا به شدت تحت تأثیر قرار داده، واقعاً چه  
انسان اندیشمندی بوده و در آزادی هند چقدر نقشی داشته....! پرسیدم:  
سید احمد شهید را می شناسید . آیا با حرکت جهاد و اصلاح او آشناei  
دارید؟ گفت خیر!

وقتی از او جدا شدم، سر به گریبان تفکر فرو بردم با خود گفتم حیف  
است که امروز جوانان ما از زندگانی و مبارزات بارزترین چهره های انقلابی  
گذشته های بس نزدیک آشناei نداشته باشند. جای بسی تأسف است که  
زحمات را دیگران کشیده اند، مشکلات را دیگران متحمل شده اند اما  
دوستداران آنها نتوانسته اند آنچنان که باید و شایسته است آنها را معرفی  
کنند، بر عکس، دشمنان اسلام، شخصیتهای کاذب دیگری را به عنوان  
الگوی مبارزات معرفی نموده و آنان را قهرمان آزادی و مبارزه قلمداد

کرده‌اند.

در زمان همین جواهر لعل نهرو و گاندی و پیش از آنها ابر مردانی بوده‌اند که با مساعی انقلابی خود چنان ضربه‌های مؤثری بر پیکر استعمار وارد کرده‌اند که نظیر آن در گذشته‌های دور و نزدیک کمتر بچشم می‌خورد.

متأسفانه، قصور ما در شناساندن چنین شخصیت‌های برجسته سبب شده که نسل امروزی از خدمات ارزشمند آنان بی خبر بماند.

بهر حال گفتگو با جوان فوق الذکر مرا بر آن داشت که قلم به دست بگیرم و در عین اعتراف به ناتوانی خویش کتاب حاضر را که به قلم توانای استاد متفکر، سید ابوالحسن علی ندوی نگاشته شده به زبان فارسی برگردانم، این کتاب که به طور اختصار مبارزات و خدمات امام سید احمد شهید را بررسی نموده و در عین حال شایعات دشمنان را علیه او، رد می‌کند. در عربی به نام «الامام الذى لم يوف حقه من الانصاف والاعتراف»

در کشورهای عربی، و در اردو تحت عنوان

«تحقيق و انصاف کی عدالت میں ایک مظلوم مصلح کا مقدمہ» (پرونده مصلح مظلوم در دادگاه عدل و تحقیق، در هند و پاکستان چاپ و منتشر شده‌است).

براستی که امام شهید سید احمد بن عرفان، پایه گذار حرکت جهاد و اصلاح و آزادی بوده که آشنائی با شرح حال و مبارزات وی بر جوانان متفکر و مبارز لازم می‌نماید،

امیدوارم مطالعه این کتاب برای داعیان اصلاح طلب و علاقمندان به تاریخ نهضتها اسلامی، سودمند شده و مایه تحرک اندیشه‌ها و تحریک احساسات ایمانی واقع شود، و ما ذلک علی الله عزیز، در آخر لازم می‌دانم که از برادر عزیز و جوان برومند، مسعود

انصاری صمیمانه تشکر نمایم که در تصحیح این ترجمه کمال همکاری را  
مبذول داشتند.  
جزاه الله خیراً.

محمد قاسم دارالعلوم زاهدان ۹۸ صفر ۱۴۱۱ هـ



## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين، و الصلاة والسلام على سيد المرسلين و  
خاتم النبيين و محمد و آله و صحبه أجمعين و من تبعهم باحسان الى يوم  
ال الدين.

بدیهی است که شهدای اسلام و رادمردان دعوت و عزیمت و  
جانبازان اسلام، آنانکه در راه الله گام برداشتند و زندگانی خویش را  
در این راه وقف نمودند، هدفشان فقط و فقط تحصیل رضا و خوشنودی  
پروردگار بوده است. آنان از کسی نه انتظار ستایش داشتند و نه طلبکار  
پاداش و تجلیل. از زیست های دنیا چشم پوشیده و نسبت به این مسئله که  
نسلهای بعدی عملکردشان را با چه دیدی بررسی خواهند کرد  
بی تفاوت بودند. به خدمتشان اعتراف می کنند و یا خیر؟ آنها از این  
بی نیاز هستند که مورخین و نویسندهای داستانهایشان را نوشه و بیان  
کنند و یا اینکه شعراء به یادشان نغمه بسرایند و یا پادشاهان و امراء  
بعنوان یادبود آثاری به آنان منسوب نموده نامشان را زنده نگه دارند.  
زیرا آنها امروز در جوار رحمت الهی و بمحبوحه نعمت های فناپذیر

## ۲ مصلح شهید مسید احمد گمنام در آینه تاریخ

پروردگارشان مسرور و شادمان بسر می برند. آنان در بارگاه رب شکور سرافرازند و هموست که می توانند پاداش جدیت های مخلصانه این شهدای مخلص را به بهترین وجه عطا فرماید.

الله تعالی می فرمایند: «فاستجاب لهم ربهم آنی لا أضيع عمل عامل منكُم من ذكر اوانشي بعضكم من بعض. فالذين هاجروا و اخرجوها من ديارهم و اوذوا في سبيلي و قاتلوا و قلتوا لا كفر عنهم سيناثتهم ولا دخلنهم جنة تجرى من تحتها الانهار توابنا من عند الله و الله عنده حسن الثواب» (آل عمران - ۱۹۵)

«پس پروردگار آنها درخواستشان را پذیرفت، که همانا عمل هیچ عمل کننده ای از شما را چه مرد باشد و چه زن ضایع نمی کنم شما بعضی جزء بعضی دیگر هستید. آنهاییکه هجرت کردند و از منازلشان بیرون رانده شدند و در راه من شکنجه شدند و جهاد کرده سرانجام به شهادت رسیدند، هر آئینه گناهانشان را می بخشم و حتماً آنان را در بهشت هایی داخل میکنم که زیرشان نهرها روان است، این پاداش آنها از طرف الله است و نزد الله بهترین پاداش مهیا می باشد.»

آری، اگر به این بند گان مخلص خدا، اختیار داده می شد که از شهرت و گمنام بودن، یکی را انتخاب کنند یقیناً گمنامی و اخفاء را ارجاع می شمردند و با تمام زاری از خداوند می خواستند که اعمالشان را خالص و مخفی گرداند و هیچ کسی از آن آگاهی نیابد.

آری بسیاری از این مردان خدا بودند که چون پی می برندند که امری از افعالشان در بین مردم مشهور شده، بسیار ناراحت می شدند. و اگر هم گاهی به طور اضطراری ذکر عمل کردشان به زیان خودشان می آمد بعداً نادم و پشیمان می شدند، مانند کسی که رازش افشاء شده باشد.

## مصلح شهید مید احمد گمنام در آینه تاریخ ۳

امام بخاری رحمه‌الله، بر روایت ابو هریرة از ابو موسی اشعری رضی‌الله عنہما نقل می کند: که ما در یک غزوه با رسول اکرم صلی‌الله علیه و سلم بیرون رفتیم، ما شش نفر بودیم و فقط یک شتر داشتیم که به نوبت بر آن سورا می شدیم، پاهای من زخمی شده و از چند جا پوست آنها ترکیده بود ناخنها یم افتادند، و همه ما تکه‌های پارچه بر پاهای خود پیچیدیم، به همین علت این غزوه غزوه ذات الرفاع (غزوه وصله‌دار) موسوم گشت.

در دنباله حدیث، ابو هریرة می گوید: ابو موسی بعد از بیان این مطلب متوجه شد که کار خوبی نکرده است و گفت: مناسب نبود که این مسئله را بیان کردم، گویی دوست نداشت که عملش در بین مردم شهرت یابد،

لذا مسلم است که به این قبیل خدمتگذاران دین هیچ ضرری نمی‌رسد که نسل‌های آینده به خدماتشان اعتراف ننمایند، یا زمان آینده بر کارنامه‌های آنان حجاب گمنامی بگذارد، زیرا آن ذات مقدسی که برای او این همه فداکاریها را کرده بودند از فعالیتهای آنان کاملاً با خبر و آگاه است، در این خصوص ماجرای «جنگ نهاؤند» قابل ذکر و مؤید این طرز تفکر است:

مؤرخین می‌نویسند: که چند روز در جنگ «نهاؤند» به شدت سپری شد، و بالاخره، الله تعالی مسلمانان را فتح و پیروزی عنایت فرمود، امیر مسلمین برای حضرت «عمر بن خطاب» (رضی‌الله عنہ) مژده فتح فرستاد و همراه با آن خبر شهادت «نعمان بن مقرن» (رضی‌الله عنہ) را که سپه‌سالار مسلمانان در این جنگ بود به وی اطلاع داد، حضرت «عمر بن خطاب» با شنیدن این واقعه، بی اختیار گریه کرد و اذاله‌الخ خواند، سپس پرسید: «دیگر چه کسی شهید شده؟ فرستاده

## ۴ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

امیر چند تن را نام برد و افزود: ای امیرالمؤمنین علاوه از اینها افراد بسیاری شهید شده‌اند که شما آنها را نمی‌شناسید. حضرت «عمر» (رضی الله عنہ) در حالیکه گریه می‌کرد فرمود: اگر «عمر» آنها را نمی‌شناسد برایشان چه ضرری دارد در حالیکه خدایشان آنان را می‌شناسد! (طبری ج ۴ ص ۳۳۵)

اما فطرت سلیم انسان مقتضی است که او محسن را بشناسد و به فضل و احسانش اعتراف نماید، و اگر کسی بر کشور و ملتش احسانی کرده است یا در راه عقیده و مذهب و وطنش جان داده است. احسانش را باید پذیرد. هر متی که از فطرت سلیم برخوردار باشد می‌کوشد تا عمل کرد رهبران و محسنین خود را به هر گونه که باشد زنده نگاهدارد، انگیزه این کار همان احسان شناسی و اعتراف به حق آشنا ساختن نسل جدید با فعالیت‌های آنان می‌باشد تا در نسل جدید همت و صفات عالیه رشد نماید.

آنچه که در ملل غربی از اعزاز و تجلیل سربازان گمنام (UN.KNOWN - SOLDIER) و باقی نگهداشتن یادگاری‌ها بطور عموم بنظر می‌رسد، در واقع نمونه‌ای از احسان شناسی و قدردانی می‌باشد. البته این احساس در مسلمانان و پیروان انبیاء علیهم السلام به مراتب بیشتر از سایر اقوام می‌باشد. خود پروردگار تعالی این وصف خاص اهل ایمان را که یاد گذشتگان را گرامی می‌دارند و برایشان دعای خیر می‌کنند ذکر نموده است.

«وَالَّذِينَ جَاءُوكُمْ بَعْدَهُمْ يَقُولُونَ رَبِّنَا أَغْفِرْلَنَا وَلَا خَوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالإِيمَانِ، وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غُلَّا لِلَّذِينَ أَمْنَوْا، رَبِّنَا إِنَّكَ رَوْفٌ رَّحِيمٌ». (سوره حشر آیه ۱۰) «آنانکه بعد از افراد مذکور می‌آیند در حق آنها دعا می‌کنند:

## مصلح شهید مسید احمد گعنام در آینه تاریخ ۵

«پروردگارا، ما را مورد مغفرت قرار ده و آن برادران ما را نیز که پیش از ما با حالت ایمان، گذشتند. و در دلمان کینه اهل ایمان قرار مده، ای پروردگارا، همانا تو خیلی مهریان و شفیق می باشی. و در مقابل، قرآن، حکایت از حال کفار و اهل دوزخ می نماید که پیوسته پیشینیان خود را نکوهش می کند و از آنها اظهار تنفر و بیزاری می نمایند.

«کلمما دخلت امة لعنت أختها» (اعراف، ۳۸)

«هر گاه گروهی در آن (جهنم) وارد می شود به گروه سابق لعنت و نفرین می کند.»

امت مسلمه در باره گذشتگان و پیشروان خود به فراخدلی و اعتراف کمال و دعا کردن برای آنها از همه ملل دیگر ممتاز می باشد. بزرگترین دلیل این مطلب همان کتب سیرت و زندگانی نبوی و تاریخ و بیوگرافی و زندگینامه افراد مختلف است. که در این موضوع کتابخانه جداگانه ای تدوین شده است. با این همه توجه و دققت، باز هم شخصیتهای متعددی هستند که نه تنها هنوز در تاریخ جای اصلی خود را نیافته اند. و تاکنون خدمات و کارنامه های آنان بطور واضح بیان نشده است، بلکه بگونه ای حقشان در این خصوص تلف شده و آن تجلیل واقعی که باید از آنها بعمل آید، نشده است و بر عکس در باره آنها اساطیر خود ساخته و افسانه های بی اساس و شایعات بی مورد منتشر شده و شخصیت اصلی آنها محجوب گشته است.

و بزرگترین چیزی که مانع از این گشته تا زندگی و عمل کرد اینچنین اشخاص بررسی شود، همان معلومات ناتمام و مباحث بی تحقیق می باشد. زیرا که علم ناقص همیشه انسان را از راه منحرف کرده و او را به بیراhe کشیده است و بر عکس جهالت و نادانی انسان را آرزومند

## ۶ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

تحقیق و جستجو و اسرار گشائی نموده است.

مجاهد کبیر، مجدد اسلام «حضرت سید احمد شهید (رح)» یکی از شخصیتهای برگزیده این امت می‌باشد، که خداوند ایشان را از نعمت ایمان و احتساب و شوق رضای الهی و ثواب اخروی و یقین به آخرت، بهره خصوصی عنایت فرموده و دلشان را از محبت زیاد به منال و خودنمایی و دوستی مال و جاه پاک نموده بودند.

از آنانکه در نگاهشان زینت زندگانی دنیا از بهای مور و مگس یا خار و خاشاکی بیشتر ارزش نداشت. یکبار «حضرت سید رحمة الله» به قصد حج تشریف می‌بردند یکی از بازرگانان بزرگ «کلکته» عرض کرد:

«که کشتی که شما با آن مسافت می‌کنید خیلی معمولی است بهتر است شما با کشتی موسوم به «عطیة الرحمن» مسافت نمایید، زیرا این کشتی مجهز به توب می‌باشد. ناخداش «محمد حسین» ترک» است که سرپرست و کاپیتان چهل کشتی می‌باشد. اگر با این کشتی مسافت نمایید هنگام رسیدن به کشور عرب مردم از شما تجلیل کرده و به شما احترام می‌گذارند. سید چون این پیشهاد را شنید، چهره مبارکش از نارضایتی متغیر گشته فرمودند: غلام حسین، چه می‌گوئی؟ احترام و تجلیل از طرف خداست نه از طرف بندگان. ما قدر و منزلت دنیا را بیش از ارزش یک سگ مردار نمی‌پنداریم. (واقع احمد ص

(۱)

وی به خاطر اجتناب و ناپسندی که از شهرت و معروف شدن داشت دعا کرد که بعد از مرگش هیچ نشانی از قبر او باقی نماند. و این دعا ایشان مقبول درگاه حق واقع گردید.  
از این نظر ایشان نیازی ندارند به اینکه نسل جدید و طبقه تحصیل

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۷

کرده و صاحبان قلم و دانش دعوت، حرکت با جهاد و جدیتهای اخلاقی اصلاحی ایشان را بررسی کرده و ارزش یابی نمایند و پی ببرند که این دعوت و حرکت تا چه حدودی در هندوستان (قبل از تقسیم) و در کشورهای اسلامی همچوار تاثیر داشته است.

البته نسل فعلی ما و نسلهای آینده و تاریخ اسلام و مسلمانان به بقیه محتاجند که با تحقیق و انصاف، عمل کردهای مهم ایشان را از نو ترتیب دهند تا شخصیتش شناخته شده و حقشان ادا گردد. آری انجام این وظیفه مهم علمی و تحقیقی بر عهده ما دین می باشد، و چه بهتر که هر چه زودتر از عهده آن برآئیم.

همین احساس مسئولیت و ادائی دین و شهادت حق بود که نویسنده را بر آن داشت که جهت معرفی و شناسایی این شخصیت عظیم در جهان اسلام گام بردارد. گرچه این کار از دیگر نویسنده‌گان معاصر هم ساخته بود ولی نویسنده در این زمینه مطالعه و تحقیق ویژه‌ای دارد که معاصرین دیگر با آن همه عظمت و فضل به علل مخصوصی به آن دست نیافته بودند. بنابراین او از بد و امر، فکر کردن و نوشتن در این موضوع را شروع کرده بود. و بنابر مطالعه و تحقیقی که در موضوع تاریخ دعوت و عزیمت و رجال اصلاح و تجدید داشت به سهولت توانست که در طبقات رجال و در تاریخ جهاد و اندیشه اسلامی مرتبه و ارزش این حرکت را تعیین نماید.

این بود بطور خلاصه انگیزه آمادگی مؤلف که باعث شد نمونه‌ای از سیرت و کارنامه‌های امام وقت را به طور اختصار خدمت دوستان عزیز تقدیم دارد. شاید این، اساسی باشد برای نیک بختی، تا بتواند به تفصیل بیشتری در این خصوص توفیق یابد.

کتابچه حاضر که آنرا مطالعه می نمایید، کوششی حقری یا گامی

## ۸ مصلح شهید مید احمد گمنام در آینه تاریخ

نخست در این زمینه است. مصنفین و مورخین می‌توانند با استفاده از آن، جهت سربلندی و عظمت اسلام در برابر جاھلیت جدید گام بردارند و نیرو بگیرند.

«وَذَكَرَ فَانَ الْذِكْرِي تَنْفُعُ الْمُؤْمِنِينَ»

خلاصه این صفحه درخشناد و تابان دعوت و عزیمت که بر آن غبار بی‌قدرتی افتاده و این داستان ایمان افزود و احساس انگیز از تجدید و احیای اسلام (که نیمه فراموش شده است)، نسل جدید را با این شعر اقبال، مرتبًا مخاطب قرار می‌دهد که:

تا تو بیدار شوی ناله کشیدم ورنه

عشق کاریست که بی آه و فغان نیز کنند  
ابوالحسن علی ندوی  
دایره شاه علم الله رائی بریلی

## «پرونده مصلحی مظلوم در دادگاه عدل و تحقیق»

### «جبهه اصلاح طلبی و تجدید»

نضهتی را که حضرت «سید احمد شهید» رح (۱۲۰۱ - ۱۲۴۶ هـ ق.) در «شبہ قارہ هند» قیادت کرد از نظر همه گیری و نیروی تاثیر، با اوئین دعوت اسلام و طریق نبوت، آنقدر مناسب داشت که نظری آن نه تنها در قرن سیزدهم به نظر نمی‌رسد بلکه ما چنین حرکت ایمان آفرین و چنین سازمان و گروه منظمی از صادقین و مخلصین را در چند قرن گذشته نیز سراغ نداریم.

ایشان در تربیت افراد، موعظه، تبلیغ و جهاد و مبارزه بقدرتی سرگرم عمل بودند که تاثیر آن نه تنها در میدان کارزار و نسل معاصرش محدود نماند بلکه نقش عمیق و دیرپایی برای نسل آینده و دعوتگران و مبارزین مستقبل، باقی گذاشت. ایشان بودند که برای اوئین بار جهت حفظ و صیانت «هندوستان» و کشورهای مسلمان همسایه، از چنگال استعمار و قدرت و توسعه طلبیش نهضتی را آغاز نمودند. تصنیف و تالیف و ترجمه و نشر مواد اسلامی و کتب دینی در نقاط مختلف هندوستان بوسیله علماء و نویسنده‌گان همین گروه انجام گرفت و

## ۱۰ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

بدین طریق شگاف عمیقی که بین عموم مسلمین و فرهنگ صحیح اسلامی (قرآن و سنت) بود، پر شد.

آری، آگاهی دینی و سیاسی مسلمانان، نتیجه مستقیم همین دعوت بود. همین حرکت بود که استعداد خفته مسلمانان را ناگهان شکوفا کرده، و احساسات و عواطف را تحریک نمود. اثر این حرکت بزرگ بر علم و ادبیات و طرز فکر و بیان نیز ظاهر گردید.

بسیاری از نویسندهای این زمان اهل علم «پاکستان» و «ہند» در این موضوع مقالات نگاشته‌اند، و در دانشگاه‌های «امریکا» و «اروپا» در این مورد خطابه‌هایی ایراد کرده‌اند، و ثابت نموده‌اند که نهضت و دعوت «حضرت سید احمد شهید و مولانا اسماعیل شهید» بر زبان اردو چه تاثیری گذاشت. تا اینکه زبان اردو مردم را تحت تاثیر قرار داد.<sup>۱</sup> و به دلیل اینکه نهضت حضرت سید احمد شهید (رح) یک حرکت عمومی بود، زبان اردو را وسیله تفہیم و گفتگو قرار دادند، و کوشیدند که آن را سهل و ساده بکار ببرند. بدین طریق اردو در بسیاری از موارد جای فارسی را گرفت (که در آن زمان زبان علم و نگارش بود) و یک زبان مستقل بوجود آمد.

### «از تربیت گاه رای بریلی نا شهادتگاه بالاکوت»

حضرت شهید «سید احمد» اساس دعوت خود را عقیده خالص توحید قرار داد، و با نهایت جرأت و همت بانگ «الله الدین الخالص»

۱. بسیاری از دانشمندان و اهل علم در این زمینه در دانشگاه‌های اروپا و امریکا مقاله‌های تحقیقی ایراد فرموده‌اند و تاثیر حرکت سید احمد شهید را بر زبان اردو ثابت نموده‌اند.

## مصلح شهید سید احمد گنام در آینه تاریخ ۱۱

(متوجه باشید، که عبادت خالص فقط برای خدای متعال شایسته است) را بلند کرد که طبیعتش به دشتها و کوهها رسید. تا جایی که ما مطلع هستیم، در هندوستان قبل از ندای محرک «سید شهید» آوانی با چنین آهنجگی بلند نشده بود. حضرت «سید احمد شهید» رح بار دیگر روح ایمان و یقین را در کالبد مسلمانان دمیده و حسن اسلامی و جهاد فی سبیل الله را بیدار نموده و گروه بزرگی را براساس جهاد و دعوت، سازمان دادند. آنچنان آنها را تربیت همه جانبه‌ای نمودند که ریشه آن در دل و روح مردم راسخ شد و اثرات آن در همه شعب زندگی مردم نمایان شد.

در تاریخ ۱۷ جمادی الآخری سنه ۱۲۴۱ه، این کاروان مجاهدین راه خدا، تا مرز شمال غربی هند (قبایل آزاد، «پشاور» و «مردان») رسیدند و این منطقه را مرکز دعوت و جهاد قرار دادند. آنها می خواستند که از اینجا کارشان را آغاز کرده و انگلیسی‌ها را از «هندوستان» بیرون رانده و در سرتاسر این منطقه براساس کتاب الله و ست، دولتی عادلانه تشکیل دهند. لذا در مسلمین جرأت ایمانی و غیرت دینی بوجود آوردند. از طرفی صاحبان رای و قدرت و سرداران و امراء این منطقه را از خطر انگلیس که قدرتش علاوه بر هندوستان به کشورهای عربی هم توسعه یافته بود، آگاه نمودند. و خاطرنشان ساختند که انگلیس در صدد از بین بردن تعلیمات اسلامی در این مناطق می‌باشد. و در این زمینه با شخصیتهای بزرگ آنوقت و نیز با رهبران ممالک آزاد «کابل»، «هرات» و «بخارا» تماس داشتند، و چندین مرتبه نامه‌های مشتمل بر نصائح دلپذیر و مملو از حرارت ایمانی و غیرت دینی نوشته و ارسال می‌نمودند. در این نامه‌ها فراست یک مومن کامل و بلند همتی یک سپه‌سالار و رهبر، و دلسوزی و شفقت

## ۱۲ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

یک امام و مرتبی و مصلح دینی، بطور واضح نمایان بود. ایشان از نظر دوراندیشی و بلند همتی و شناخت خطرها نه تنها از مدبرین و متخصصین سیاست و امور سلطنت جلوتر بودند، بلکه به جایی رسیده بودند که از دسترس سیاستمداران بعدی خارج بود.

هدف از این حرکت در واقع احیاء آثار و نشانه‌های محو شده اسلام و ترویج سنت نبوی و برافراشتن پرچم سنت و اسلام، در مقابل بدعتات و خرافات بود که هیچ غرض سیاسی و منفعت شخصی و طلب شهرت در آن دخالت نداشت.<sup>۱</sup>

او برای رسیدن به مرزهای شمال غربی هندوستان از استانهای متحده «مالوه» و «راجیوتانه» و از «سنده» و ریگستانهای استان «سرحد» و «بلوچستان»، عبور کرد که در واقع عبور کردن از این مناطق، بجای خود جهاد مستقلی بود. زیرا که در این مسافت، ایشان با قلتاپ و کمی توشه و دشواری راهها و خطر راهزنان و شدت گرسنگی و با قومهای بیگانه و زیانها و طبایع مختلف رویرو گشتند. او در این سفر از دره تنگ و پر خطر «بولان» نیز عبور نمود، که یک راه طبیعی برای ورود به خاک افغانستان می‌باشد. در اصل این یک خندق طویل و عمیق می‌باشد که کوه براحتک (Brahataick) را قطع کرده و به جلو رفته است. در هر دو طرف دیواره کوههای بلند و فلک پیمایی قرار دارند که ارتفاعشان از سطح دریا هفت هزار پا می‌باشد. عرض این دره عموماً به چهارصد پا یا پانصد متر می‌رسد. بعد از آن دره

۱. ملاحظه کنید به کتاب صراط مستقیم فصل پنجم، ضرورت جهاد و نیز به نامه‌هایی که به روساء و علماء و مشایخ سرحد، افغانستان، بخارا و مسئولین ترکستان نوشته «سید احمد شهید» حصه اول صفحه ۳۸۵-۳۹۵

## مصلح شهید مسید احمد گمنام در آینه تاریخ ۱۳

مهیب و تنگ «کورک» قرار دارد که نرسیده به «قندهار» از جبل «توبه» می‌گذرد. در «قندهار»، «غزنی» و «کابل»، ایشان طوری مورد استقبال قرار گرفتند که تا آن زمان هیچ رئیس دولت یا رهبر یا روحانی چنان استقبال نشده بود. همه مردم این مناطق اعم از دولتی و غیر دولتی در این استقبال شرکت داشتند.

انگیزه‌های این استقبال و خیر مقدم را می‌توان حرارت ایمانی، و حسن مهمان‌نوازی افغانها، و نیز اظهار اطمینان آنان از احوال آن روز و آرزوها و امیدهای آنان در باره آینده دانست آنها در این برهمه مهم تاریخ، نیازمند رهبری مخلص بودند که بار دیگر آنها را متحد گردانده و از حکومتهای قبیله‌ای و ملوک الطوایفی رهایی بخشد. و نیروها صلاحیت آنها را در جای صحیحی کار گیرد.

وی از آنجا به «پیشاور» و «هشت‌نگر» مسافرت کردند. در آنجا نیز همان مناظر تجلیل و محبت مشاهده شد که در طول سفر رویت گردیده بود. چند روز در «هشت‌نگر» اقامت نموده و مسلمانان را برای جهاد آماده ساخته و به «نوشهر» رفتند. و از آنجا آن عبادت عظیم و محبوبترین اعمال، یعنی جهاد را آغاز نمودند که نتیجه سالها دعوت و تبلیغ و زحمات ارزشمند ایشان بود.

در «نوشهر» ایشان نامه‌ای به «رنجیت سنگ» نوشتند و پیش از همه او را دعوت به اسلام کردند. در صورت عدم پذیرش (اسلام) پرداخت جزیه و اطاعت کردن مطالبه نمودند و در صورت قبول نکردن «جزیه» اعلان جنگ نمودند.

در تاریخ ۱۲ جمادی الآخری (سنه ۱۲۴۲ھ) بیعت امامت گرفتند و بنام ایشان خطبه جمعه قرأت شد. و مردم بیشماری با وی بیعت کردند. رؤسا و رهبران قبایل و علمای بزرگ و مشایخ کبیر، در حلقه

## ۱۴ مصلح مهید مید احمد گمنام در آینه تاریخ

ارادت وی داخل شدند، و برای سمع و طاعت و جهاد در راه خدا بیعت نمودند.

بعد از آن حکومت پیشاور را از این اقدام خود مطلع ساختند، صاحبان قدرت ایشان را تایید نموده برای بیعت اظهار آمادگی نمودند. بعد از آن حضرت سید و «مولانا اسماعیل شهید»، نامه های مختلفی برای علماء و شخصیت های بزرگ هندوستان ارسال داشته و آنان را از فعالیت های خویش آگاه ساختند. و تمام آنان هم اظهار اطمینان نموده و حرکت سید را مورد تایید قرار دادند. سرداران «پیشاور»، سردار «محمد خان»، سلطان محمد خان و در آخر برادر ایشان سردار پیر محمد خان با وی بیعت کردند و بالاخره در جنگ «شیدو» بالغ بر صد هزار نفر از مجاهدین زیر پرچم ایشان گرد آمدند. جنگ با دولت «لاهور» خالصانه و با اسلوب اسلامی و سنت نبوی آغاز گشت. (یعنی اول دعوت به اسلام بعد جزیه دادن و سپس دعوت به مبارزه، متاسفانه این روش اسلامی را در جنگها، مدت‌ها بود که فرمانروایان مسلمان و دولت‌های اسلامی فراموش کرده بودند).

در آن زمان، «سیکها» بر «پنجاب» تسلط داشتند و بر مرزهای شمال غربی و قبایل آزاد نیز به گونه‌ای حاکم بودند. سلامتی «افغانستان» و حتی وجود آن کشور نیز در خطر قرار داشت. زیرا آنها چند بار به افغانستان تاخته بودند. مسلمانان پنجاب که از نظر تعداد در اکثریت بسر می‌بردند و از قرن پنجم تا آنوقت فرمانروایان آنها بودند. و پیوسته مورد شکنجه و ستم واقع می‌شدند. لازم بود که جلوی ستم بر آنها گرفته شود و در این زمینه کمک کرده شوند. علاوه بر آن پنجاب از نظر منطقه جنگی و سوق الجیشی نیز فوق العاده دارای اهمیت بود. این جنگ علیه «رنجیت سینگ» بود که

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۱۵

یکی از سپه سالاران ممتاز در اواخر قرن هیجده<sup>۱</sup> مسیحی بشمار می رفت، وی نیرومندترین فرمانروایان زمان خود بود. اما بر عکس در اکثر جنگ‌ها و ستیزها مجاهدین پیروز می شدند. و بر نظامیانی که از طرف دولت پنجاب جهت سرکوبی مجاهدین فرستاده می شدند، غالب می آمدند. گاهی دولت پنجاب سپاهیان را به فرماندهی دونفر از فرماندهان ایتالیای معروف به ژنرال وینتور (VANTORA) و ژنرال والارد (Valad) که در جنگ‌های اروپا از ژنرالهای کارآزموده ناپلئون بودند می فرستاد.

ولی با وجود این، مجاهدین همیشه با چنان پایمردی و شجاعت و شوق شهادت و اطاعت امیر، و پیروی احکام و دستورات شرعی، مقاومت می کردند که یاد حماسه‌های صدر اسلام تازه می گشت.

حضرت «سید احمد شهید»، در مرزهای شمال و غرب «هندوستان» که شامل «پیشاور» و نواحی آن بود یک دولت کاملاً اسلامی برقرار ساخت که در آن حدود و قوانین شرعی، بمرحله اجرا در آمد. و دستورات اسلام در تمام امور مالی و انتظامی پیاده شد. آری، در این زمان بود که تاریخ پس از قرنها، در بین حکومت‌های اسلامی (که می توان آنها را به علت بی اعتنایی از دستورات اسلام غیر اسلامی نامید) نمونه‌ای زنده از عمل خلافت راشده را مشاهده کرد. ولی متأسفانه این انقلاب مبارک به مدت زیادی دوام نیاورد و در اینجا هم همان پیش آمد که عموماً در تاریخ اسلام بارها پیش آمده است. منافع شخصی و احساسات قبیله‌ای قد علم کردند. و بدین طریق

۱. حکومت «رنجیت سنگ» در شمال تا کابل و جنوب و مشرق تا کرانه «رود گمنا» و سمعت داشت. جهت تفصیل مراجعه شود به کتاب RAN JEDT. SINGH SIR.

## ۱۶ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

جاھلیت زخم خورده و عصبانی شده این سلاح را جهت انتقام جویی آله کارش قرار داد. قبایل این منطقه هنوز از رسوم جاھلی و قبیله‌ای کاملاً پاک نشده بودند. لذا با رهبری سران قبایل از جمله، سلطان محمد خان والی پیشاور دست به شورش زدند. سلطان محمد خان کسی بود که حضرت سید شهید منطقه پیشاور را (بعد از فتح) به او تحويل داده بود. و با وی پیمان بسته بود که در این منطقه حدود شرعی و قوانین اسلامی را پیاده کرده و اعلاء کلمة الله نماید. ولی متاسفانه پیروان سلطان محمد خان، نمایندگان و رجال کار مربوط به عدل و انصاف و نیز دیگر افراد تعین شده را طوری با بی‌رحمی و سفاکی از دم تیغ گذراندند<sup>۱</sup> که نظیر آن در تاریخ شورشها و انقلابها مشکل به نظر می‌آید. سپس ثابت شد که این در اصل یک توطئه سازمان یافته‌ای بود که باید در مقابل رؤسای قبایل در آن شرکت داشتند. و آن افرادی که باید در مقابل مهاجرین و مجاهدین نقش انصار را اتخاذ می‌کردند، بر عکس خودشان همه نظام را به هم زدند. در این هنگام بود که مجاهدین مجبور شدند جایگاه دیگری را پایگاه خود قرار دهند تا دوباره برای پیاده کردن نظام اسلام آغاز به کوشش نمایند.

در همین میان متوجه مناطق «هزاره» و «دره کشمیر» شدند زیرا، رؤسای این مناطق آنان را دعوت کرده و قول هر گونه پشتیبانی را داده بودند. در راه کشمیر، جنگ «بالاکوت» (که روستایی است در دره کاغان و میان دو کوه بلند قرار دارد) به عنوان آخرین معراج که به وقوع پیوست. متأسفانه عده‌ای از مسلمانان خودفروش و خائن، دشمن را با خبر ساخته و از راههای صعب العبور آنها را رهبری کرده به آنجا

۱. تعداد این افراد ۱۵ نفر بود که همه از برگزیده‌ترین و صالح‌ترین افراد زمان بودند.

## مصلح شهید مید احمد گمنام در آینه تاریخ ۱۷

آوردند. در این جنگ شیر سینگ فرزند رنجیت سینگ فرمانده قوای دشمن بود. در این مکان آخرین برخورد بوقوع پیوست که در نتیجه آن حضرت «امام سید احمد» و مولانا شاه اسماعیل و بسیاری از علمای بزرگ و مجاهدین بلندپایه به درجه رفیع شهادت نایل گردیده و نمونه‌هایی محیرالعقول از جانبازی و شجاعت دیده شد که در تاریخ بشریت کم نظیر است. این فاجعه در ۲۴ ذی قعده سنه ۱۲۴۶ هـ. مطابق ۶ هـ سال ۱۸۳۱ م. اتفاق افتاد.

### «مجاهدین در مقابله دولت بریتانیا»

بعد از این فاجعه غم انگیز خلفاء و پیروان حضرت امام سید احمد شهید به رهبری مولانا ولایت علی عظیم آبادی و برادران و فرزندانش در نقطه «ستهانه» که در میان قبایل آزاد قرار داشت، مرکز مستحکمی برای مجاهدین تاسیس نمودند و جهت این جهاد حرکت را از سیکها که سلطه شان ضعیف شده<sup>۱</sup> بود بر گردانده به طرف انگلیس نمودند. که بر هند تسلط داشتند. و در این کشور یک دولت قوی و منظم تشکیل دادند. البته این اقدام با برنامه «حضرت سید» هماهنگ بود که در زندگیش ترسیم نموده بود. این مطلب در نامه‌های ایشان که به روسای «هند» و رهبران مسلمان آسیای میانه نوشته بود هویداست. این سلسله مبارزات مشتمل بر حوادث و مصایبی می‌باشد که از شنیدن آن دلها

۱. انگلیس بر دولت بزرگ سیکها در سال ۱۸۳۹ میلادی بطور کامل تسلط یافتند. بدین ترتیب سلسله حکومتشان درست بعد از ۱۸ سال از شهادت حضرت سید احمد شهید بطور کلی منفرض گردید.

می لرزند. اگر همه جانبازیها و ایثار و پایمردیهای را که در جهت آزادی این منطقه (هندوستان) بوقوع پیوسته در یک کف ترازو قرار دهیم.<sup>۲</sup> و زحمات اهالی صادق پور (خاندان مولانا ولایت علی عظیم آبادی) را در کف دیگر آن، کفه جد و جهد این طایفه به سنگینی مایل خواهد شد.

### نمونه‌های شگفت‌انگیز تربیت و تنظیم.

مرکز جهاد و سازمان و کمک‌های مالی منطقه «ستانه» بود. این منطقه آنچنان با نقاط دیگر رابطه داشت که پیوسته گروههای مجاهدین افتخاری، بدانجا رسیده بسیج می‌شدند. مرکز سری زیادی در نقاط مختلف «بنگال» و «بهار» تشکیل شده بود که همه با هم بوسیله یک زبان سری تماس داشتند. تعداد زیادی از هواداران بسیجی بودند که با اشاره امیر آماده حرکت می‌شدند و حکومت انگلیس با هر نوع تهدید و تطمیع از سرکوبی آنان عاجز بود.

این حرکت در بنگالیها آنچنان شجاعت و حرارت اسلامی، حس دینی و علاقه به جنگجویی و شوق شهادت و قربان شدن برای اسلام و گذشتن از منافع شخصی بوجود آورد و به آنها استقامت و حوصله داد و طوری آنان را نیرومند ساخت که این قوم به عنوان یک ملت جنگجو و رزمnde و شجاع تلقی گردید. (و تا مدت‌ها دنیا ندیده بود که اینها در میدان جهاد و قتال و رزمجویی دارای ایستادگی و استقامت هستند).

۲. برای تفصیل مراجعه شود به کتاب «اویین حرکت اسلام در هند»، و کتاب «سید احمد شهید» از غلام رسول جلد چهارم جماعت مجاهدین؛ کتاب اویل نوشته «مسعود عالم ندوی» می‌باشد.

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۱۹

مستر جمیز او کنیلی می نویسد: «مسلمانان ضعیف و ترسوی بنگال در خونخواری و علاوه به جهاد از افغانها هیچ کمتر نبودند.» عقیده ایشان طوری اصلاح شده بود و چنان تربیت شده بودند که شیطان نمی توانست حس ناسیونالیستی و زبان پرستی و جاھلیت کهنه را در آنها بیدار کند. مایه افتخارشان فقط اسلام بود و تنها خدمت به اسلام و انجام دادن اعمال صالحه و اخلاق پاکیزه را ملاک بهتری و برتری می دانستند.

به یقین می توان گفت که علمای «صادق پور» در سازماندهی مسلمانان و اقامه نظام اسلامی و تربیت مجاهدین و تصحیح عقاید و اصلاح اعمال و اخلاق آنچنان نظمی تشکیل دادند که چه از نظر وسعت و چه از لحاظ قوت و نیرو بی نظیر بود. می توان گفت که از بد و ورود مسلمانان به هند تا سال ۱۸۶۴ مثال آن در تاریخ هندوستان بنتظر نمی آید. بزرگترین دشمن این حرکت، دکتر «سرولیام هنتر» در کتاب خود «مسلمانان هند» می نویسد: «اینها (مجاهدین) مانند دستگاهها روز و شب کار می کردند. کارشان تزکیه و خودسازی و اصلاح دینی بود، متواضع بودند، و خیلی دارای صلاحیت جمع آوری پول و افراد بودند. من نمی توانم که به جز بزرگی و احترام از آنها یاد کنم، بیشترشان مانند جوانان مقدس و آماده، آغاز زندگی کرده و تا آخرین نفس آماده هر نوع قربانی برای مذهب بودند تا جاییکه تجربه من اجازه می دهد این امر مตیق است که بیشتر مبلغین و هابی دارای معنویت بوده و تعداد کمی برخلاف آن بودند. حسن مردم شناسی و حسن انتخاب «یحیی علی»<sup>۱</sup> قابل ستایش است. تهدید و تطمیع» و

---

۱. مولانا یحیی علی عظیم آبادی امیر جماعت مجاهدین بود.

## ۲۰ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

خطر شناسایی و دستگیری، احدی نتوانست، افراد انتخاب ده توسط ایشان را از راهش منصرف کرده و بر علیه رهبران و پیشوایان و اداره سازد.»

در باره وسعت این سازمان و صفات عالیه این گروه، فرمانده پلیس «بنگال» در آن وقت چنین می‌گوید: «تعداد پیروان هر مبلغ از این گروه، هشت هزار نفر می‌باشد و در بین آنها مساوات و برابری بطور کامل برقرار است. هر کس کار دیگری را مانند کار شخصی خود می‌داند. و هنگام مصیبت هیچ عذری، او را از همکاری و کمک باز نمی‌دارد.»<sup>۲</sup>

تا اینکه بالاخره جنگ آزادی در سال ۱۸۵۷ بوقوع پیوست که دولت «بریتانیا» آن را به جنگ غدر (حیانت) نامگذاری کرد که رهبری آن به دست مسلمانان بود و عده‌ای از باقی ماندگان مجاهدین نیز در آن شرکت داشتند و در این جنگ بقیه هموطنانشان نیز حضور داشتند. خلاصه، این کوشش نیز بنابر علل و عوامل مختلفی که تفصیل آن موجب اطاله کلام می‌شود، به پیروزی نرسید. و رهبران آن، بویژه مسلمانان شکار مشکلات گردیدند انگلیسها هر گونه ظلم و ستم بر آنها اعمال نمودند. و در نهایت قدرت انگلیسها بر تمام کشور محیط و مستحکم گشت.<sup>۳</sup>

۲. «مسلمانان هند» نوشته دکتر هتر.

۳. جهت تفصیل کتاب مؤلف «مسلمانان هندوستان» مطالعه شود.

## «عملیات انتقامی دولت بریتانیا و استقامت بی نظیر مجاهدین»

بعد از عدم موفقیت در جنگ آزادی ۱۹۸۶ م، مجاهدین فعالیت‌های خود را علیه دولت بریتانیا نهاده دادند بلکه شدیدتر کردند. این مطلب از سخنان «سر ویلیام هنتر» تایید می‌شود. «گاهی دولت بریتانیا بر علیه این مجاهدین از تمامی نیروی ارتش کار می‌گرفت.»

در بعضی از عملیات جنگی علاوه بر معاونین بیشمار و پلیس، تعداد شصت هزار سرباز شرکت داشتند. گاهی پایگاه‌های پنجاب طوری از سرباز خالی می‌شدند که دولت پنجاب برای تهیه یک دسته حفاظتی به پایگاه «نایب السلطنه» متول می‌شد. گاهی ارتش انگلیس مجبور به عقب‌نشینی می‌شد و حکومت پنجاب آنان را دوباره دعوت می‌کرد.

دولت پنجاب از پایان یافتن این عملیات ناراضی بود ولی جنون مذهبی هندیها از بین نرفت. و دولت نتوانست آنان را وادرار به اطاعت کرده به خانه‌هایشان باز گرداند.<sup>۱</sup> دولت به علت شکست‌های پیاپی و زیر بار رفتن هندوستان و بدنام شدن انگلستان، در نهایت اضطراب بسیاری بردا. این خشم و کینه‌اش را بر علماء و صلحاء و بزرگان هند پیاده نمود. هر کسی که رابطه‌اش با مرکز «ستانه» یا حرکت ثابت می‌شد، برای انتقام در مورد او انگلیسیها طوری خشونت بخراج می‌دادند که

۱. مسلمانان هندوستان از «دکتر هنتر»

قانون زیر پا گذاشته می شد.

### در زندان انگلیس در سال ۱۸۶۴ میلادی

مولانا یحيی علی عظیم آبادی و برادرش مولانا احمد الله رئیس «پتنه» «عظیم آباد» و یکی از نزدیکانشان بنام مولانا عبدالرحیم، «مولوی محمد جعفر تهانیسیری»، «محمد شفیع» بازرگان معروف «لاہور» و عده‌ای از نزدیکانش را به اتهام توطنه بر علیه دولت به محاکمه کشاندند. از این افراد مذکور مولانا یحيی علی عظیم آبادی، مولوی عبدالرحیم صادق پوری و مولوی محمد جعفر تهانیسیری و عده‌ای دیگر را در زندان اقباله گذاشتند. این زنداییان آزاده آنقدر در نشاط و سرور بودند که انگلیسی‌ها در حیرت فرو می‌رفتند. بویژه مولانا یحيی علی سرتا پا شوق و مسرت بود و رباعی معروف صحابی شهر، «خبیب» را قرأت می‌کرد. این رباعی را خبیب هنگام سپرده شدن به جوخه اعدام سروده بود: «اگر من در حالت اسلام کشته شوم هیچ با کی ندارم که از کدام پهلو بر زمین بیفتم» فاضی بیداد گاه انگلیس در دوم «مه» سال «۱۸۶۴» میلادی حکم اعدام «مولانا یحيی علی» را در جلوی انبوه مردم قرائت کرد. و از فرط خشم و عصبانیت در آخر گفت: «من وقتی شما را به دار آویزان بیسم خیلی احساس سرور خواهم کرد.» «مولانا یحيی علی» با شنیدن این حکم به حدی شاد شد که گویا آرزوی قلبی اش برآورده گردید.

«مولوی محمد جعفر تهانیسیری در کتاب خود «آب سیاه»

می‌نویسد: «خوب بیاد دارم، هنگامی که حکم اعدام خود را شنیدم آنقدر خوشحال شدم که شاید از به دست آوردن هفت افیم هم این قدر

## مصلح شهید مید احمد گنیم در آینه تاریخ ۲۳

مسرور نمی شدم.»

این سخن برای کسانیکه که در باره شهادت و قوت ایمان آگاهی کامل نداشتند طوری غیر قابل فهم و باور نکردنی بود که یکبار «پارسن» (افسر پلیس انگلیس) کسی که این ستمدید گان را شکنجه داده بود، پرسید:

«شما محکوم به اعدام شده‌اید، باید که گریه کنید، چرا اینقدر شادمان به نظر می‌رسید؟! «مولوی محمد عفر» در پاسخ فرمود: «به امید شهادت که برای ما بزرگترین نعمت است و شما با آن نا‌آشنا می‌باشید.»

این بزرگواران، در زندان «انباله» بسر می‌بردند و انگلیسها از زن و مرد به تماشا می‌آمدند و خوشحال بودند که اینان را گرفتار می‌دیدند. اما چون ایشان را برخلاف زندایان دیگر شادمان می‌یافتند در شکفت می‌ماندند و چون از علت می‌پرسیدند همان جواب «پارسن» را می‌شنیدند. هنگامیکه این مطلب به سران انگلیس رسید می‌گفتند: این دیوانگان! اعدام را چه نعمت بزرگی تلقی می‌کنند!

به قول اقبال:

کشاد در دل سمعجه هن اس کو

شهادت نهین موت انکی نظر مین

«مجاهدین شهادت را مرگ نمی‌پنداشند، گویی دلشان را (به سوی حقیقت) گشوده است» و لهذا اجباراً این مجازات را الغو کردند تا مبادا اینان خوشحال شده و خود را موفق تصور کنند. و این ماجرا شاید اولین بار بود که در تاریخ مجازات‌ها بوقوع پیوسته بود که بخاطر خوشحالی مجرم (متهم)، حکم مجازات لغو گردید. در شانزدهم سپتامبر

## ۲۴ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

سال ۱۸۶۴ م، فرماندار «انباله» به اتاق‌های اعدام آمده و قضاوت رئیس دادگاه را فرائت کرد که: «شما چون راضی هستید از اینکه اعدام شوید و مرگ را شهادت می‌پنداشید، لذا دولت تصمیم گرفته که شما را در عوض اعدام محکوم به حبس ابد توأم با اعمال شaque، مجازات نماید.

در سال ۱۸۶۵، این مجاهدین به بندر «بلیراندامان» فرستاده شدند و منازل مسکونیشان به آتش کشیده شد. روی قبرستان‌ها یشان شخم زده شد و تمام دارائیشان مصادره گردید. «مولانا یحیی علی» و «مولانا احمد الله» در حال تبعید جان به جان آفرین تسلیم نمودند. مولوی محمد جعفر تهانی‌سیری و مولانا عبدالرحیم صادق پوری پس از هجده سال تبعید در آب سیاه رها شده و به هندوستان باز گشتد.<sup>۱</sup>

تا سال ۱۹۴۷ شبیه همین شرایط در هندوستان حاکم بود؛ بعد از آن بهار آزادی فرا رسید و این شبے قاره بزرگ به دو قسمت پاکستان و هندوستان تقسیم گردید.

منطقه‌ای که پاکستان نامیده شد شامل کلیه نقاطی است که در زمان نهضت و جهاد اولیت داشت و از قبل در این زمینه مورد نظر بود. گرچه امروزه بین آن طرح اولیه و حالت فعلی فرق بسیاری دیده می‌شود. و هدف عظیمی که مورد نظر حضرت سید بود و غایت بلندی که بخاطر آن جانش را نثار کرد، با آنچه که دنیا بر نقشه‌های جغرافیایی و نظام سیاسی و اخلاقی این کشور مشاهده می‌کند، بسیار متفاوت بود.

---

۱. برای تفصیل بیکرنده آب سیاه و تواریخ عجیب از مولوی محمد جعفر تهانی‌سیری

## «طرحهای مفید و تاکتیک‌های بهتر»

حضرت امام شهید، سید احمد، طرحهایی را که در آن شرایط حساس پیاده کرده بود از هر جنبه، بهتر از آن را نمی‌توان تصور کرد. و در این زمینه سلامت طبع و دوراندیشی و بصیرت همه جانبه حضرت سید را کسی می‌تواند درک کند که از تاریخ و احوال هندوستان در آن روزها مطلع بوده و تمام شرایط سیاسی و اجتماعی و نظامی ای را که در اوایل قرن نوزدهم هندوستان با آن روپرتو بود بررسی کرده باشد. قبل از شهید سید احمد، تمام کوشش‌ها و مجاهدات در جهت نجات و رهایی از قدرت انگلیسها و برقراری یک مرکز مستحکم، ناموفق مانده بود. در صورتیکه گردانند گان این جنبشها و حرکات، افراد بزرگی از قائدین و والیان ایالت‌های مختلف بودند که در میان آنان رهبرانی غیرور، و توانا مانند «سلطان تیپو شهید» (متوفای ۱۷۹۹ م ۱۲۱۴) و ژنرالهایی چون امیرخان وجود داشتند. و قبل از ایندو «نواب سراج الدولة» والی مرشد آباد متوفی سنه ۱۷۷۰ ه و «نواب شجاع الدولة» فرمانروای (اوده) سنه ۱۷۷۷ با تسهیلات فراوان و ارتش منظمشان ناکام مانده بودند. علت اساسی این عدم موفقیت همان شعار معروف استعمار انگلیس «تفرقه‌انداز و حکومت کن» بود و دو میان علت شکست این جریان این بود که در هندوستان منطقه آزادی وجود نداشت که مسلمانان در آنجا از دسترس انگلیس محفوظ بوده و به فعالیت و آمادگی‌های جهاد و جنگ ادامه دهند. و این مسلم است که این قبیل طرحهای سیاسی و نظامی همیشه با مشورت و اتفاق آرای صاحبان رای آماده می‌گردند. آنهم به شرط اینکه قائد، مخلص بوده و رابطه‌اش با «الله» قوی باشد. و بر او توکل و اعتماد کرده و بوسیله دعا و استخاره

## ۲۶ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

و اظهار عجز و ناتوانی در پیشگاه وی طلب مدد کند.  
هنگامیکه مساعی و فعالیت حضرت سید را از نظر ابعاد فوق الذکر  
مورد بحث و بررسی قرار می دهیم هیچ تردیدی نداریم که ایشان تمامی  
شرایط را دارا بوده و در این زمینه هیچگونه غفلتی نداشتند. اگر بخواهیم  
با مقیاس این زمان یک شخصیت و حرکت را که خیلی پیش از ما  
گذشته و مرکز فعالیتش از ما دور بوده ارزیابی کنیم و براساس نتایجی  
که وابسته به مشیت و خواست الهی است در باره آن قضاوت کنیم، چه  
بسی این قضاوت دور از انصاف و حقیقت خواهد بود. و اگر با این  
مقیاس حرکتها و دعوت های دیگری را که در تاریخ رخ داده بسنجم  
ممکن است بسیاری از آنها را بی نتیجه و بی حاصل بپنداشیم. در  
صورتیکه مدار پیروزی و موفقیت، حسن نیت، نهایت کوشش، راستی و  
اخلاص و مقاومت و انتخاب طریق موفقیت آمیز است. چه انسان به نتایج  
ظاهری و موقفیتهای مادی دست بیابد یا خیر؟

«من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا لله عليه، فمنهم من قضى نحبه  
و منهم من يتظر، وما بدلوا تبليلاً» (احزاب)

«بسیاری از مومنان هستند که پیمانی را که با خدا بسته بودند در  
آن صدق نشان دادند. بعضی از آنها عهدهشان را تکمیل کرده و بعضی  
دیگر منتظرند و سخنرانی را هیچ تبدیل نکرده‌اند.»

مرحوم «مولانا غلام رسول مهر»، نویسنده معاصر، این حرکت را  
در کتاب خود «سید احمد شهید»، مورد بررسی قرار داده می نگارد: «این باب مربوط به دوران زوال و انحطاط تاریخ مسلمانان در هند است،  
ولی با این وصف یک انسان حق‌شناس و واقع بین بخوبی در ک  
می کند که در واقع هیچ زمانی از عهد ترقی و عروج مسلمانان بیش از  
این دوران افتخار آمیز نبوده است، در ادامه بحث می نویسد:

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۲۷

«در واقع ملاک قضاوت در این زمینه منحصر در نتایج نیست بلکه ملاک اصلی عزم جهاد، همت، عمل و کمال استقامت در راه حق است. بنابراین آیا کسی می‌تواند بگوید که در ادوار گذشته عروج و ترقی چنین عزیمت و عمل و استقامتی دیده شده که هدف و منظور آن فقط دین بوده و بس<sup>۱</sup>»:

### «تجدید، احیاء دین و اصلاحات انقلابی»

یکی از عملکردهای بزرگ حضرت سید این است که ایشان رکن بزرگ جهاد فی سبیل الله را که مدتی متوقف مانده و عمل کردن به آن مشکل و غیر ممکن بنظر می‌رسید. زنده گردانید نام جهاد واقعی فقط در لابلای کتابها و قرآن و حدیث موجود بود و قصه‌های آن مربوط به مجاهدین صدر اسلام بود که فقط به خاطر خدا جنگیده بودند و هدفی غیر از پیروزی دین اسلام نداشتند و منظورشان حکومت یا کسب مال و دارایی برای خود و خانواده‌اشان نبود. پادشاهان اسلام هم یا جهاد را کل‌تر کرده بودند و یا وسیله کشور گشایی قرار داده از مقاصد و اهداف مقدس آن غافل بودند. صاحبان دعوت و اصلاح هم بنابر گرفتاریهای زیاد یا عدم قدرت، از انجام جهاد قادر بودند. عموم مسلمین از فضیلت و اهمیت جهاد بی‌خبر بودند و آن را یک مسئله فقهی محض پنداشته و در مستحباتش جای داده بودند<sup>۱</sup>. بی‌توجهی به

۱. «سید احمد شهید» نوشته غلام رسول مهر

۱. مولانا اسمبل شهید که درجه سخنگو و وزیر برای سید احمد بودند، در یکی از نامه‌ها به علماء مشایخ می‌نویستند: اهمیت جهاد امروز پیش علماء به اندازه حیض و نفاس هم اهمیت ندارد.

## ۲۸ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

این رکن بزرگ اسلام، جهان اسلام را به شدت متضرر ساخته و مردم بی وجدان و از خدا بی خبر، بی باک و با جرأت شده و شوکت اسلام و مسلمین را جریحه دار کرده بودند. و در نتیجه مسلمانانی که در این منطقه فرمانروایی می کردند و حافظ این مملکت بودند، امروز در مملکت خودشان غریب و مورد جور و اهانت قرار می گرفتند، مساجدشان ویران کرده می شد و آبرویشان ریخته می شد و در نهایت ذلت و زیبونی به سر می برندند. در این زمان پیشگویی آنحضرت (ص) کاملاً بر مسلمانان صادق می آمد:

«اذا تركتم الجهاد سلط الله عليكم ذلا لا يزعزعه حتى ترجعوا الى دينكم<sup>۲</sup>.»

«اگر شما جهاد را ترک نمایید خداوند بر شما ذلت مسلط می کند، و آنرا از شما بر نمی دارد مگر اینکه به دینتان باز گرددید.»  
کلیه جهان اسلام بویژه نقاطی که دور از مرکز خلافت عثمانیه بودند با این وضع اسفناک و ذلت بار رو برو بودند. در باره اهمیت و ضرورت جهاد، خود حضرت سید در کتاب معروفش «صراط مستقیم» می فرماید:

«از نظر نزول برکتهای آسمانی که وابسته به قایم داشتن فریضه جهاد هستند، روم و ترکیه را با هندوستان مقایسه کنید. هندوستان در سال ۱۲۳۳ را که اکثر نقاط آن در اثر حکومت انگلیس به دارالحرب تبدیل گشته با هندوستان سیصد سال قبل مقایسه کنید، در آن زمان چقدر برکات سماوی وجود داشت و چقدر اولیای عظام و علماء کرام

۲. ابوداؤد به روایت ابن عمر (رض).

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۲۹

موجود بودند<sup>۱</sup> .»

حرکت «سید، احمد شهید» جهاد را زنده کرد و در وضع اصلی خود باقی گذاشت و بر اجتماع مسلمانان و افکار و عواطفشان تاثیر عمیقی گذاشت و ترس مرگ از قلبها بروز شده تحمل مشقتها و ناملایمات در راه خدا، سهل گشت و شوق شهادت آنچنان دامنگیر شد که گویی اینان پرندگانی هستند که هنگام شام آرزوی بازگشت به آشیانه هایشان دارند. جوانان نازپرورد و مردم توانگر و ثروتمند برای تحمل سختیها و ناراحتی های جهاد و هجرت آماده شدند و با زندگی توان با زهد و قناعت و ایثار و قربانی خوی گرفتند حس شهادت طلبی آنچنان شیع یافت که زنان هنگام شیر دادن کودکانشان اشعار حماسی از این قبیل می سروند:

الهی مجھی بھی شہادت نصیب  
یہ افضل سی افضل عبادت نصیب

يعنى:

خداؤندا شہادت نصیبم بگردان

این افضل عبادت نصیبم بگرдан

مردم آنچنان به شهادت عشق می ورزیدند که فرزندان برومندشان را برای نیل شهادت تقدیم معرکه نبرد می نمودند. از آنجمله «نواب فرزند علی» سرپرست منطقه «غازپور» پسرش «امجد» را تقدیم کرد و گفت: «می خواهم که مانند اسماعیل ذبیح، در راه خدا بر حلقوم فرزندم چاقو کشیده شود.» در بین نوجوانان قرعه کشی می شد و والدین، آن فرزند را که عقب می ماند مورد ملامت قرار می دادند.

---

۱. «صراط مستقیم» باب دوم فصل جهاد افارة پنجم.

## ۳۰ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

دکتر «هنتر» می‌نویسند: «هیچیک از پدران وهابی<sup>۲</sup> نمیدانست که پرسش چه وقت برای جهاد خانه را ترک می‌گوید. (یعنی آمد و شد برای جهاد عادی بود).

### «احیاء نظام رهبری و امامت

عمل کرد و کارنامه دوم حضرت سید احیاء نظام امارت و امامت بوده. این یکی از ارکان اسلام است که مسلمانان مدتی آن را ترک نموده بودند و به علت ترکش شیراز ۀشان از هم گسینته شده و همگی مانند گله گوسفدان بی شبانی می‌ماندند. در صورتیکه اسلام این نوع زندگی را حیات جاهلی تعبیر نموده و در چین شرایطی، از زنده و مرده شدن بر حذر داشته است و آن را بقدرتی محکوم نموده که نباید هیچ زمانی مسلمان بدون امیر و امام زندگی کند. حضرت امام «سید احمد» این سنت متروکه را بار دیگر زنده نمود آنهم در زمانیکه از مدت‌ها قبل کسی بر این اصل عمل نکرده بود.

حضرت «سید» این رکن مهم و تابنده اسلامی را طوری پیاده نمود و در نظر مسلمانان باشکوه، محبوب و مرغوب جلوه گرش ساخت که اگر غیر از این خدمتی دیگر انجام نمی‌داد، همین برایش کافی بود که به عظمت یاد شود. ولی علاوه بر این، ایشان خدمات ارزشمند و فراموش نشدنی دیگری نیز انجام دادند.

---

۲. دولت انگلیس و نویسنده‌گان انگلیسی در ذکر حضرت سید و پیروانش کلمه «وهابی» را بکار می‌برندند تا مردم را نسبت به آنان بدین بن گردانند.

### «احیاء فریضه حجّ»

فریضه حجّ در هندوستان متروک شده بود و به علت وجود خطر در راه دریا و عدم امنیت، کوشش بر آن بود که حج از نظر فقهی ساقط شود. در این مورد سخنرانی حضرت سید را مطالعه کنید که در شوال ۱۲۳۶ هجری هنگام سفر حجّ ایراد گرده بود.

«در بارگاه الهی برای اهالی هندوستان خیلی دعا کردم که الهی راه کعبه بر مسلمانان مسدود شده و مردم مسلمان و ثروتمند از دنیا رحلت نمودند و بنابر فریب نفس و شیطان که راه امنیت ندارد، از حج محروم شده‌اند. و هزاران صاحب ثروت هنوز زنده‌اند و به دلیل همین وسوسه به حج نمی‌روند. الهی از رحمت خود راه حج را چنان بگشای که هر کس چون اراده کند، بی‌تردید بتواند عازم سفر حج شود. و از این نعمت عظمی محروم نماند.»

آن ذات گرامی دعايم را مستجاب فرمود و ارشاد شد که بعد از این راه حج را بر عموم می‌گشایم و ان شاء الله هر برادر مسلمانی که زنده بماند در آینده این حالت را به چشمان خود خواهد دید.<sup>۱</sup>

### (نکاح بیوه زنان)

همچنین نکاح زنان بیوه عیبی به شمار می‌آمد. اگر کسی اقدام به آن می‌کرد از هر طرف تحریم می‌گشت و از خاندان جدا کرده می‌شد. خانواده‌های شریف و عالی نسب این کار را ترک کرده بودند

۱. بنگرید به کتاب «شهید سید احمد» از همین نویسنده.

## ۳۲ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

و این امر در اصل از زمان انحطاط دولت مغول بر اثر تمدن هندوها رایج شده بود.

هندوها نکاح زن بیوه را به طور کلی ممنوع قرار داده بودند. و این رسم بد تا حدی اهمیت پیدا کرده بود که حتی بعضی از علماء به حمایت و پشتیبانی از این رسم جاهلی کتابهایی نوشته‌اند.<sup>۱</sup> بنابر کوشش‌های حضرت «سید احمد» رحمة الله بساط این سنت شنیع برچیده شد. و نکاح بیوه‌ها بار دیگر رواج یافت. و این طبقه مظلوم و مستمدیده که تعدادش به هزارها می‌رسید و گویی زنده در گور بود، در سایه شریعت و سنت حیاتی نو یافت.

### «مظلومی دختران»

همچنین دخترانی که مدتها در بند قیود و رسوم مختلف قبایل افغانی اسیر بودند و به علت عدم ازدواج به امراض مختلف جسمی، اخلاقی و شرعی مبتلا شده بودند بنابر کوشش ایشان سلسله ازدواج‌شان راه افتاد و از زندگی سخت و غیر فطری رهایی یافته‌اند. علاوه بر این ایشان آثار جاهلیت و رسوم هندوها و شکلهای مختلف بدعاات و خرافات و نشانه‌های رفض را که بر اثر اختلاط عناصر غیر اسلامی در اجتماع مسلمانان سرایت کرده بود؛ ریشه کن کرد و اضافه بر اینها نظام مالی اسلام و قانون عدالت و قضاوی را احیاء نمود. حدود اسلامی به مرحله اجرا درآمد، سازمان امر بالمعروف و نهی عن المنکر و دعوت الى الله بوجود آمد. خلاصه، نقشه اصلی و الگوی واقعی یک خلافت

۱. جهت تفصیل کتاب «سیرت شهید سید احمد» ص ۲۲۹ قسمت نکاح بیوه - مطالعه شود.

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۳۳

اسلامی با ویژگیهای آن در نظر اهل دنیا مجسم گردید. و دگرگونی دیگری که خیلی حائز اهمیت است، بوجود آمدن محیط دینی بود که در اثر دعوت و حرکت و تأثیر آفرینی رهبر و همراهانش در سطح هندوستان پدید آمده بود. و بنابر ارشاد و موعظه‌های ایشان، غفلت و بی‌دینی از زندگیها دور شده و جای آن را خداپرستی و عشق و علاقه به دین پر نمود و بدین ترتیب انقلاب، اصلاحی و فرهنگی در سطح مملکت بوجود آمد.

در دوران سفر حجّ در کلکته کمی اقامت گزید. که در نتیجه آن نسیم دینداری و تقوی شروع به وزیدن کرد. فروش مشروبات الکلی ترک شده و مغازه‌داران از مسئولین دولت انگلیس خواستند که از پرداخت مالیات و عوارض معاف شوند و گفتند که شخصیت بزرگی در شهر آمده که همه مردم شهر و روستا ارادتمند او شده و می‌شوند، و همگی از تمام مواد مخدر توبه کرده‌اند، حالا دیگر هیچکس به مغازه‌ها حتی سری هم نمی‌زند. در این منطقه نکاح شرعی رواج گرفت، بی‌حجابی ترک شد، نشانه‌های شرک و بدععت از بین رفت و جای آنرا نشانه‌های سنت و شریعت گرفتند. در «بنگال» و «آسام» امواج تبلیغات و اصلاحات متلاطم شد و مردم بکثرت در دین اسلام داخل گشتند. در این هنگام شعر صاحب مخزن صادق می‌آید.

«خلق و عالم پرآوازه گشت

تو گفتی که عهد نبی تازه گشت

در واقع این شعر تنها بیانگر حالت «کلکته» در آن عهد نیست، بلکه بر تمام هندوستان آن زمان صدق پیدا می‌کند.

### «آثار گسترده و همه جانبیه»

آثار این دعوت و حرکت همه گیر بود و به اطراف و اکناف رسید. صور اتباع شریعت و اعلاء کلمة الله و بازگشت به کتاب و سنت دمیده شد. و در نتیجه آن، فعالیت‌های اسلامی و حرکات اصلاحی بوجود آمدند. که هر یک بنوبه خود کارهای مفیدی انجام داده و مسلمانان را بیدار و روشن کردند. در بنگال شرق، حرکت «ثار علی» (معروف به تیتو میان) جماعت اهل حدیث، مرکز جهاد و تربیت در «صادق پور» و «پتنه» کوشش‌های تبلیغی و فرهنگی خاندان غزنوی در «امرتسر»، «دارالعلوم ریوبند»، «مظاہر علوم» «سهاپور» و صدها مدرسه مشابه اینها، مدرسه‌های سلفی مذهب و دارالعلوم «ندوة العلماء» همگی انشعابهایی از آن نیروگاه قوی بودند که سوختش خون جگر و اشک‌های هنگام سحر بود

یک چراغیست در این خانه که از پرتو آن  
هر کجا نگرم انجمانی ساخته‌اند

### «نویسنده‌گان غربی و روش معاندانه آنان»

با آنکه حضرت سید بنابر کارهای اصلاحی و انقلابی خود که در تاریخ مصلحین و دعوتگران مثال آن کم دیده می‌شد و از عظمت و شهرت بخصوصی در زمان خود و بعد از آن برخوردار بود. ولی در اروپا آنقدر مورد انتقاد قرار گرفت و بر علیه شخصیت و حرکتش تهاجم کرده شد که به یقین می‌توان گفت جزء ذات مقدس آنحضرت صلی الله علیه وسلم در مورد هیچ شخص دیگری چنین چیزی دیده نشده.

## مصلح شهید سید احمد گعنام در آینه تاریخ ۳۵

چنین معلوم می شود که نویسنده گان در این موضوع نیاز به مطالعه و زحمت حس نکرده اند، یا فقط به سخن های شنیده اکتفا نموده اند و با هم به جای تاریخ نویسی مهارت را در تاریخ سازی بخارج داده اند. در اروپای جدید، آزادی فکر و تلاش حق و راستی در علم و تحقیق آغاز شده بود و بر علیه تعصباب مذهبی و خرافه پرستی و بی تحقیقی جنگ های خونریزی بوقوع پیوسته بود. این کار از یک نظر برای دنیا خیلی مفید بود و بعد از آن آمید می رفت که انگیزه تحقیق و نگارش در یک موضوع تاریخی و علمی بجای اینکه عناد و تعصب و اهداف سیاسی باشد، تلاش حق و جویایی واقعیت خواهد بود. نویسنده گان نیمه اول قرن نوزدهم در این خصوص مانند مولفین و فضلاء قرون وسطی که در سایه جنگ های صلیبی پرورش یافته و احساساتی بودند؛ نخواهند بود. ولی چه باید کرد؟ که زندگی انسانی مجموعه تضادها است و در این دنیا چیزهایی بوقوع می پیوندد که انسان انتظارش را ندارد.

### «زندگانی معروف و تاریخ محفوظ»

امام سید احمد شهید رحمة الله یک شخصیت افسانه‌ای یا یک انسان ماقبل تاریخ نبود، ایشان شخصیتی بودند که در اول قرن سیزدهم هجری و در اواخر قرن هیجدهم میلادی ظهرور فرمودند. مرکز تعلیم و تربیتشان در ابتداء منطقه آباد و مرکزی شمال هند بود که از نظر علم و ادب و فرهنگ تمدن و سیاست جزء مناطق اول هندوستان بشمار می آمد. در اصطلاح انگلیسیها به «استانهای متعدد اگرہ و اوده» نامیده می شد. باز رابطه حضرت سید با خاندان معروف دهلی یعنی خاندان «شاه ولی الله» برقرار شد. که از نظر علم و درس در تمام هندوستان از

## ۳۶ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

شهرت ویژه‌ای برخوردار بودند. خانواده خود حضرت «سید» از سادات معروف «آوده» بشمار می‌رود که از پانصد سال پیش به اینطرف، در آن، علما و مشایخ شهری پیدا شده‌اند. ایشان بنابر زندگانی زاهدانه و با وقار خاندانش همیشه در قرب و جوار، با نگاه عزت و احترام دیده می‌شد. فرمانروایان مغول دهلی پیوسته نسبت به ایشان اظهار ارادت و عقیده می‌کردند. و به عالی بودن نسبش اعتراف داشتند. در تمام رساله‌های تاریخ آن زمان که به زبان فارسی نوشته شده بودند، افراد ممتاز این خاندان ذکر گردیده‌اند و خود ایشان در سپاه، یک سردار معروف افغانی بنام سردار «نواب امیرخان<sup>۱</sup>» جهت تربیت نظامی انجام خدمت نموده بودند. «نواب امیرخان» به جناب سید بسیار احترام می‌گذاشت و با او رابطه ارادت و اخلاص داشت. زندگی خود «نواب» هم خیلی معروف است. کتابهای متعددی درباره او نوشته شده. ایشان (آنطور که انگلیسها پنداشته‌اند) هیچ رابطه‌ای با حقه بازان قرن هیجدهم نداشته است. بعد از اینکه حضرت سید از سپاه امیرخان برگشتند، علما و مشایخ و شرقا و امراء پروانه‌وار سوی ایشان مراجعت می‌نمودند و با او بیعت می‌کردند و جهت استفاده معنوی و روحی طوری هجوم می‌بردند که نظیر آن در هندوستان دیده نشده بود.

ایشان از استانهای متعدده هم دیدارهای متعددی در زمینه تبلیغ و دعوت بعمل آوردند که در اثر آن تمام منطقه سیل آسا به جنبش درآمد و همگی به توبه و اصلاح روی آوردند. و علیه شرک و بدعت چنان طوفانی برپا شد که از دیرباز نظیرش دیده نشده بود. سپس ایشان همراه ۷۵ نفر (که در آنزمان بنابر کمبود وسائل تعداد بزرگی محسوب

۱. این سردار معروف بعدها دولت کوچک تونک را تأسیس نمودند.

## مصلح شهید سید احمد گعنام در آینه تاریخ ۳۷

می شد) با شکوهی عظیم مراسم حج را ادا نمود. که مثلاً نه در تاریخ پادشاهان هندوستان دیده شده و نه در تاریخ علماء و مشایخ.

این مسافرت از طریق خشکی طی شده بود. منطقه وسیع کرانه‌های رود «گنگا» که در این مسیر قرار داشت حیات نوینی گرفت و با احساسات جدیدی آشنا گردید و بسیاری از شهرها در حلقه ارادت و دایره اصلاح حضرت «سید» داخل گردید. بعد ایشان به «مکه» و «مدینه» تشریف برداشت و آنجا از وی آنچنان استقبال شده بود که تا آن زمان از هیچ شخصیت عرب چنین استقبالی نشده بود. آنهم در زمانی که در حجاز نام گرفتن و هابیها در خطر انداختن و مشکوک قرار دادن شخصیت خود به شمار می‌آمد. هیچ دلیلی در دست نیست که ایشان با مبلغین و هابی برخورداری داشته. تکامل دینی و فکری ایشان قبل از این سفر به مرحله عروج رسیده بود و دعوت ایشان در زمینه اصلاح عقیده و اعمال که به طور مستقیم از قرآن و حدیث سرچشمه گرفته بود، در هندوستان مشخص و واضح بود<sup>۲</sup>. سپس وی حرکت وسیعی جهت احیاء جهاد و خلافت اسلامیه آغاز نمود که مرزهای آن در طرح و خیال بلندش از هندوستان تا ترکستان و ترکیه وسعت داشت.

و مرکز جهاد و حرکتش را در قبال آزاد قرار داد. وی جهت رسیدن به مرزهای شمال غرب هندوستان مسافرت طولانی انجام داد. با یک قافله عظیم به بلوچستان و افغانستان مسافرت نمود و در این سفر

مشقت‌های فراوانی را تحمل نمود. گزارش مفصل این سفرها با ذکر هر نقطه و مسافت آن و موقعیت جغرافیایی طوری نگاشته شده که گویی یک دیدار رسمی انجام شده است. ایشان چگونگی این مسافرت را از

۲. ملاحظه شود به کتاب «صراط مستقیم» مجموعه تعلیمات و تحقیقات از: حضرت سید احمد

## ۳۸ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

افغانستان و بلوچستان توسط فرستادگانش به اطلاع علماء و شخصیتهای ذی نفوذ می‌رسانید، مجموعه این مکاتبات رسمی در کتابخانه‌های مختلف هندوستان و کتابخانه هندی در لندن موجود می‌باشد. همچنین گزارشات مربوط به عملیات جبهه جنگ نوشته شده است. واقعه شهادت حضرت سید در ۲۴ ذی قعده ۱۲۴۶ هـ برابر با مه ۱۸۳۱ م در «بالاکوت» اتفاق افتاد. احوال زندگی و جزئیات حیات ایشان آنقدر با دقت نوشته شده است که نظیر آن در بیوگرافی مصلحین و رهبران کم دیده می‌شود.

در باره سیرت و زندگانی «حضرت سید» دو مدرک مهم وجود دارد. یکی مجموعه‌ای است که در چهار جلد ضخیم، بنام «وقایع احمدی» نوشته شده است این اثر به دستور و همکاری «نواب، وزیرالدوله» رئیس ایالت «تونک» (بنگال) بعد از شهادت ایشان ترتیب داده شده است. در «تونک» افراد زیادی وجود داشتند که شخصاً در عملیات جنگی شرکت داشته و ناظر تمام اوضاع بودند. مشاهدات این افراد بطور دست جمعی نوشته شد.

دومین مدرک معتبر کتاب «منظور السعداء فی احوال الغزا و الشهداء» نوشته مولوی (سید جعفر علی نقی) (متوفی سنه ۱۲۸۸ هـ.) به زبان فارسی می‌باشد. مؤلف از اهالی «گورکپور» و از خاندان سادات و علماء، و شخصی دانشمند و ادیب زبان فارسی بود. او خودش در جبهه جنگ حضور داشت و مسئولیت نویسنده‌گی سپاه به عهده وی بود. و این خود دلیل بر آگاهی و معلومات صحیح او می‌باشد.

سومین مدرک تاریخی کتابی تاریخی بنام «مخزن احمدی» به زبان فارسی می‌باشد که نویسنده آن مولوی (سید محمد علی) (متوفی ۱۲۶۶)، حواهرزاده خود حضرت سید می‌باشد. در این کتاب احوال

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۳۹

حضرت سید از تولد تا بازگشت از حج، بطور معتبر ذکر گردیده است. زیرا که مؤلف از طرفی از نزدیکان حضرت سید بوده است و از طرفی دیگر شاهد عینی اکثر احوال، و درسفر و حضور همراه وی بوده است این کتاب در زمان محمد علی خان والی «تونک» نوشته شده است. و در چاپخانه «آگره» چاپ و منتشر گردیده است.

مدرک چهارم کتاب «سوانح احمدی» نوشته مولوی محمد جعفر تهانیسیری، کسی که در بندر «بلشیر» اسیر شده و متهم به توطئه سال ۱۸۶۴ علیه انگلیس بود. این کتاب اولین کتاب به زبان اردو است که در هندوستان چاپ شده و تقریباً به هر منزلی رسیده و در معرفی احوال حضرت سید خدمت بزرگی انجام داده است.

مؤلف این کتاب با خلفای حضرت سید بیعت کرده و از علاقمندان به حضرت «سید» بود. او هیجده سال در «آب سیاه» اسیر بود و بعد به وطن خویش مراجعت نمود. از آنجائیکه انگلیس مراقب کوچکترین حرکت این گروه بوده، این کتاب با نهایت احتیاط نوشته شده و در آن بسیاری از حقائق که در حالت آزادی می‌توان اظهار کرد، ذکر نگردیده.

پنجمین و جامع و کامل‌ترین تالیف در این موضوع کتاب «سید احمد شهید» است که نویسنده آن مولانا غلام رسول مهر مرحوم است و آنرا در چهار جلد و ۱۹۲۱ صفحه نگاشته است. این کتاب را می‌توان به عنوان یک دائره‌المعارف در سیرت شهید «سید احمد» و حرکت، جهاد و دعوت تلقی کرد. این کتاب در «lahor» چاپ شده در محافل علمی و ادبی مورد قبول واقع شده است.

اینجانب هم در این موضوع کتاب «سیرت شهید سید احمد» را نوشته و در سال ۱۹۳۹ در یک جلد مشتمل بر ۴۶۲ صفحه منتشر نمود.

## ۴۰ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

«سید ، سلیمان ندوی» مقدمه‌ای بلیغ و دلپذیر بر این کتاب نوشته بود که از بهترین نوشتۀ‌های «سید سلیمان» می‌باشد. با این مقدمه، مصنف که سنش بیش از بیست و چهار سال نبود تشویق گردید. و این اولین کوشش و اولین ثمرة قلم مؤلف بود. این کتاب در محافل علمی و دینی هندوستان فوق العاده مورد استقبال قرار گرفت و ملاحظه شد که مسلمان هندوستان چقدر تشنۀ این موضوع بودند.

اوپا ع سیاسی هند و آرزوی غله اسلام در مسلمانان سبب شد که آنها خواستار و جویای موادی گردند که در آنها اعتماد و خودشناسی و احساسات خفته ایمان و یقین را بیدار سازد. اولین چاپ این کتاب دست به دست تمام شد در سطح زیادی بعدها منتشر شد، و مؤلف هم اضافه‌های زیادی در آن نمود که بالاخره حجم کتاب افزایش یافت. پنجمین چاپش در پاکستان و ششمین چاپ آن در هندوستان در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۸ در جلد قطوری منتشر شد که تعداد مجموع صفحات این چاپها ۱۱۴۵ صفحه است. در این کتاب نقشه‌های تاریخ و تصاویر نقاط مهم درج گردیده است. آخرین و جدیدترین کتاب در این زمینه کتابی به زبان انگلیسی به نام: *Saiyid Ahmad. shahide His* Lifeandmission می‌باشد که عصاره مطالعات عمیق بوده و با اسلوب جدید نوشته شده. و مشتمل بر مدارک تاریخ و گزارش‌های رسمی و شهادت‌های خارجی می‌باشد. علاوه بر آنچه ذکر گردید کتابهای متعدد در هندوستان و پاکستان و امریکا و اروپا چاپ و منتشر شده است. متأسفانه در زبان عربی در باره این شخصیت معروف کمتر نوشته شود و بهمین دلیل «جهان عربی» تقریباً از عمل کردهای معروفشان آگاهی چندانی ندارد.

شاید در این خصوص اولین کار توسط اینجانب انجام گرفت و آن

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۴۱

انتشار مقاله‌ای بود که سید، «رشید رضا» مرحوم آن را در مجله مشهورش «المنار» در سال «۱۳۲۹»<sup>۱</sup> منتشر کرد و بعد در شکل کتابچه‌ای جداگانه چاپ نمود. عنوان این کتابچه «السید الامام احمد بن عرفان الشهید» مجدد القرن الثالث عشر بود. نویسنده در آن وقت ۱۷ سال سن داشت بهمین دلیل کتاب از معیار تحقیقی برخوردار نبود.

بعد از آن نویسنده به نوشتن کتابی متوسط توفیق یافت که در آن داستانها و حماسه‌های ایمان‌افروزی ذکر نمود که در پرتو آن اخلاق بر جسته و نیروی ایمان و دوراندیشی حضرت «سید» و همراهانش را می‌توان مطالعه کرد.

و نیز تاریخچه مختصر دعوت و جهاد به ترتیب بیان شده است. این کتاب بنام (اذا هبت ریح الایمان<sup>۱</sup>) از لکنو خارج آن چاپ و منتشر گشته است.

جای بسی تعجب است که با وجود این همه مواد معتبر و موثق که از تولد تا شهادت، زندگانی یک شخصیت معروف را شرح می‌دهد باز هم عده‌ای با کمال بی‌تعهدی، کورکورانه قلم بدست گرفته، و افسانه‌های بی‌مورد و داستانهای بی‌مدرک را به چنین شخصیتی نسبت دهنده. واقعاً این نوع بی‌احتیاطی نمونه‌ای از گمراهی است که هیچگونه جوازی ندارد.

## نمونه‌هایی از عناد و تعصّب

در اینجا می‌خواهیم مثالهایی از روش علمی غیر مسئول که نتیجه

---

۱. هنگامیکه نسیم ایمان ورزید،

## ۴۲ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

تعصب و دشمنی است، ارائه بدھیم آنهم از نویسنده‌گانی که مدعی تحقیق و پژوهش می‌باشند.

(HUGHES) «ھیو گس»

در یکی از مقاله‌هایش می‌نویسد:

و بعد از آن شخصی احساساتی از هندوستان جهت کفاره گناهانش به مکه رفت و آنجا تحت تاثیر مبلغین وهابی قرار گرفت که بطور مخفی بین حجاج دعوت وهابی گری را منتشر می‌کردند.

«سید احمد» که مردی راهزان و از اهالی «رای بریلی» بود، بعد از ادای مراسم حج در سال ۱۸۲۲ با این عزم و اراده به هندوستان بازگشت که تمام هندوستان شمالی را زیر پرچم اسلام بیاورد.

«اولف کیرو» (OLAF-CAROE) در کتاب THE PATHAN صفحه ۳۰۱ می‌نویسد:

«سید احمد بریلوی» پیروی رسوای زمان «امیر خان» بود.  
«امیر خان» نیروهای مزدور را در زمان انگلیس علیه پندارها بسیج کرده بود.

سید احمد بعد از پراکنده شدن نیروهای «امیر خان» از کار برکنار شد.

پی هارדי (P-HARDY) در کتاب The Muslim of British India می‌نویسد: «مسلمانان در هندوستان بریتانیا!» ص ۵۱ می‌نویسد:  
«سید احمد» در خانواده‌ای بدنیآمد که اغلب مردم آن پیشه ور بودند.

ایشان از سال ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۸ در لشکر سردار «امیر خان» که بعد رئیس «تونک شد» بعنوان یک سرباز شرکت داشت.  
در آن زمان هیچ گونه صفتی که او را از بقیه قزاق‌ها ممتاز کند،

## مصلح شهید مید احمد گمنام در آینه تاریخ ۴۳

نداشت.

«هنتر»، در کتاب مسلمانان هندوستان ص ۶۱ می نویسد: سید احمد به دلیل وهابی گری از «مکه» با ذلت و اهانت اخراج گردید و در صفحه ۲۴ می نویسد: سید احمد که زندگانی گذشته اش مانند یک راهزن بود. خود را در لباس حج مخفی کرده وارد «بمبائی» گشت.

اینها نمونه هایی از تحقیق های نادر و پیشرفته است که حداقل انسان در قرن بیستم از مورخین اروپائی انتظار آن را نداشت.

## شرقی های غرب زده

جای بسی شکفتی است که اغلب نویسندهای «خاورمیانه» و آسیا چون خواستند قلم برداشته در باره وهابیت و مهدودیت و حرکت جهاد هندوستان مطلبی بنگارند صرفاً به تقلید کورکورانه غریبها اکتفا نمودند. در این خصوص گله ما بیشتر از آن دسته نویسندهای کان عرب است که با وجود روابطشان با مرکز علمی و علماء هند، زحمت تحقیق را متحمل نشدند. با آنکه تجربه داشتند که استعمار و منافع سیاسی تا چه حدی سبب اتهامات بی مدرک علیه «شیخ محمد بن عبدالوهاب» گشته است.

به عنوان مثال عبارت ذیل را ملاحظه کنید.

علامه «احمد بن حجر» (قاضی دادگاه اسلامی قطر) در کتابش «الشیخ محمد عبدالوهاب ص ۷۸ می نویسد. و به همین طریق دعوت شیخ محمد بن عبدالوهاب برخی از مناطق هندوستان را تحت تاثیر قرار داد و این کار در هندوستان بوسیله حاجی سید احمد انجام گرفت. او از

## ۴. مصلح شهید سید احمد گنیم در آینه تاریخ

والیان منطقه بود که در سال «۱۸۱۶ م» بعد از قبول اسلام<sup>۱</sup> جهت ادای مراسم حج به «حجاز» مسافرت کرد. و در اثر ملاقات با وهابیها از دعوت شان تحت تاثیر قرار گرفت. و جزء داعیان احساساتی گردید.<sup>۲</sup> آری نتیجه تقلید غربیها و خوشچینی از خون آنها است که باعث شد. نویسنده گانی مانند «دکتر احمد امین» (نویسنده کتابهای صخی‌الاسلام - فجرالاسلام - ظهرالاسلام و امثالش به تحقیق دیگران اعتماد کرده و اغلب از مدارک فرانسوی و انگلیسی استناد نمایند. بعنوان مثال اقباسی از کتاب «زعماء الاصلاح فی العصر الحديث» تالیف نویسنده مذبور ملاحظه شود.

نویسنده، در ضمن شرح زندگانی شیخ محمد بن عبدالوهاب می‌نویسد:

«در هندوستان یک رهبر وهابی ظهور کرد که نامش سید احمد بود. او در سال «۱۸۲۲ م» فریضه حج را ادا نمود. و سپس در پنجاچ پرچم دعوت را برآفرشت و تقریباً دولت وهابیها را تشکیل داد. نیرویش افزایش یافت تا اینکه هندوستان در معرض خطر قرار گرفت او علیه بدعتات و خرافات جبهه گیری نمود و با واعظان و اهل دین منطقه به مبارزه پرداخت و علیه هر شخصی که بر مذهبش عمل نکند و دعوتش را نپذیرد اعلام جنگ کرد. او هندوستان را دارالحرب قرار داد.

دولت انگلیس به سبب او و پیروانش با مشکلات روبرو شدو بالآخره به سر کوبی آنان موفق گردید.<sup>۳</sup> سبب این اشتباهات تاریخ

۱. نویسنده در حالیکه کلمه سید را می‌نویسد توجه ندارد که اسلام آوردن معنای ندارد چون سید کسی است که نیاکان او نیز مسلمان باشند.

۲. شیخ محمد بن عبدالوهاب (ص) ۸۷

۳. زعماء الاصلاح فی العصر الحديث

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۴۵

(بشر طیکه ما آنها را سوء تفاهم نپندازیم) که تعداد آنها کمتر از سطرهای عبارت اقتباس شده نیست، این است که در جمع آوری آنها صرفاً از مدارک انگلیسی استفاده شده است. نویسنده به خود زحمت نداده که سیرت و زندگانی این شخصیت و تاریخ جهاد و حرکت را از مدارک صحیح و درست بررسی نموده و یا حداقل از اشخاصی کسب معلومات نماید که در هندوستان بوده و به مصر آمد و شد داشتند.

آری اگر ایشان چنین می کردند حتماً در صفحه اول مصلحین هندوستان بجای سر سید احمد خان و سید امیر علی حضرت سید احمد شهید را می آوردند.

من در سال ۱۹۵۱ مسیحی در دوران مسافرت خودم به مصر توجه نویسنده را به این اشتباهات مبذول داشتم و برایش توضیح دادم که «سید احمد شهید» و «شاه اسماعیل شهید» دارای چه مقامی بودند.

او با صراحة اعتراف نمود: «که معلومات من در این باره ناتمام، و ناقص بوده، و نمی دانستم که این دو مصلح بزرگ در تاریخ اندیشه و حرکت اسلامی چه مقامی دارند و تأثیر همه جانبه آنها بر جامعه مسلمانان چه قدر بوده است<sup>۱</sup>» آدم هنگامیکه این تحقیقات نویسنده گان عرب و مسلمان را نگاه می کند، بیاد یک شعر عربی می افتد:

و ظلم ذوى القرىٰ أشد مضاضة

على النفس من وقع الحسام المهند

---

۱. ملاحظه شود خاطرات خاورمیانه از مولف

## ۴۶ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

### «اعترافات هم‌عصران معروف»

برای ارزش‌یابی یک شخصیت و پی بردن به عظمت و بزرگی و رتبه واقعی آن، می‌توان از اعترافات صاحب نظران معاصر آن شخصیت استناد کرد.

در این جزوء مختصر ما فقط پاره‌ای از اعترافات چند تن از معاصران «سید احمد شهید» رحمة الله را نقل می‌کنیم. «سید صدیق حسن خان بهوپالی» مورخ و مولف معروف هندوستان والی بهوپال که شخصاً آثار تعلیم و تربیت حضرت سید را دیده بود. در کتاب «قصاص جیود الاحرار» می‌نویسد:

«ایشان در زمینه هدایت مردم و مراجعت آنها به سوی خدا یک نشانه بزرگی بود. جهانی بزرگ و خلقی بی‌شمار در نتیجه تربیت روحی و جسمی ایشان به مقام تقوی و ولایت رسیدند. مواعظ و سخنرانی‌های خلفای ایشان سرزمین هند را از لوث بدعاات و شرک پاک گردانید. و به شاهراه کتاب و سنت سوق داد.

و هنوز هم تاثیر وعظ و نصایح ایشان ادامه دارد. در جائی دیگر می‌نویسد: «خلاصه ما هیچ فردی را در هیچ نقطه جهان معاصر، هم پایه این شخصیت بزرگ سراغ نداریم و به راستی خلق خدا آنقدر از این گروه حق استفاده ایمانی و روحی نمودند که یکصدم آن توسط علماء و مشایخ دیگر دیده نشده است.

علامه دوران استاذ‌الاساتذه «حضرت مولانا حیدر علی رامپوری»، «تونکی» شاگرد حضرت «شاه عبدالعزیز دھلوی» متوفی ۱۲۷۳ هـ در کتاب «صیانة الناس» می‌نویسد:

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۴۷

«نور هدایت ایشان مانند شاعهای خورشید با تمام نیرو و قوت بر قلوب بندگان تابید هیچ گوشهای خالی نماند. خوشبختان ازل، از هر سو رخت سفر بسته و از فرسنگها دور آمد، و از شرک و بدعتها و گناهانی که خوگر آن بودند توبه کرده و به راه مستقیم توحید و سنت گامزن شدند. خلفاء و شاگردان پاکبازش به اغلب کشورها مسافرت نموده و صدھا هزار نفر را به دین و آئین محمدی آشنا ساختند. و آنانکه توفیق الهی شامل حالشان شد، این راه را اختیار نمودند. هزاران نفر پس از تزکیه و تربیت روحی، بعنوان خلیفه و جانشین به اطراف رفتند و مردم را بیعت نموده و ارشاد کردند.

مردمی که از نماز بی خبر بودند. کارشان بازی کردن با مخدرات بود. مشروب خواری و باده گساری را پیشه خویش قرار داده. آشکارا گفتند؛ «که نماز یعنی چه؟» کارگاه و کارخانهای که در آن اشتغال به کار داریم نماز جزء برنامه اش نیست اداره ما به روزه دستور نداده است.»

اهمیتی به حج و زکوة قائل نبودند. روز و شب در رشو و زنا و مردم آزاری و ریوانخواری مشغول بودند. مرد و زن همانند حیوانات بدون نکاح با هم جمع می شدند. و صدھا بچه از طریق زنا بدنیا می آمد و صدھا پیرمرد و جوان نامختون مانند نصاری و مشرکین وجود داشتند.

آری! همه این گونه افراد به مجرد تعلیم و تربیت و دعوت حضرت امام «سید احمد شهید» از گناهان توبه کردند. نکاح شرعی انجام دادند. خته کردند و در زمرة نیکوکاران و پرهیزگاران پیوستند. در هر بار حدود ده هزار نفر با حضرت ایشان بیعت می کردند و بی شماری از هندوها و راضیها و دیگر گروهها از ارشاد آن بزرگوار

مسلمان خالص شدند.

برخی از مسیحیان مخفیانه ایمان آورند. هزارها عالم در محضرشان، از فیض صحبت‌شان تزرکیه شدند و پس از حصول بیعت و خدمت به راهنمایی خلق خدا مشغول گردیدند. بعضی از آنها به وعظ و ارشاد مشغول شدند و برخی از آنان کتابهای مشتمل بر آیات و احادیث تالیف نمودند و آثار مختلفی را ترجمه کردند بدین طریق هزاران جاهل که حتی کلمه نمی‌دانستند با ترغیب و تشویق به علم و عبادت و تقوی، سرانجام عالم دین بار آمدند. عده‌ای به هر دو کار (تالیف و ارشاد و سخنرانی) مشغول شدند.

«صیانة الناس عن وسوسة الجناس»

از مولانا حیدر علی رامپوری چاپ ۱۲۷۰ هـ.

یکی از علمای آگاه و موثر هندوستان که زمانش نزدیک با زمان حرکت «سید» بود با بسیاری از افراد این گروه مقدس برخورد کرده و از دیدارشان مشرف شده بود، «مولوی عبدالاحد است»، ایشان می‌نویسد:

«بیش از ۴۰ هزار هندو و غیره به دست حضرت سید مشرف به اسلام شدند. و در حدود سه میلیون نفر با وی بیعت نمودند. اما اشخاصی که با خلفای وی بیعت شدند تعدادشان به میلیونها می‌رسد.»  
(سوانح احمدی)

دانشمند معروف و مجاهد فی سبیل الله مولانا ولایت علی عظیم آبادی متوفی ۱۲۶۹ هـ می‌نویسد:

«زمانیکه بانگ دعوت در هندوستان طنین انداز شد. همگی مردم پروانه وار بر این شمع هدایت گرد آمدند. حتی در یک روز دهها هزار نفر بیعت می‌کردند. گروه بیعت کنندگان همچنان افزایش می‌یافت و

## مصلح شهید سید احمد گعنام در آینه تاریخ ۴۹

هزاران نفر دین‌های اصلی خود را ترک کرده مشرف به اسلام شدند. در ظرف ۵ و ۶ سال در حدود سه میلیون نفر با حضرت سید بیعت نمودند. و در مسافرت حج تقریباً صد هزار نفر مشرف به بیعت گشتند. از بین این همه افراد هزاران عالم و هزاران عاقل و صدها حافظ و مفتی و افراد جهاندیده و با تجربه وجود داشتند با توجه به این کشش مردم به سوی «حضرت سید»، می‌توان گفت که «حضرت سید» از مقبولیت و محبوبیت ویژه‌ای در بارگاه الهی برخوردارند که بر اثر آن قلوب مردم بی‌اختیار به سویش کشیده می‌شود. و مردم دیوانه‌وار به او می‌پیوندند.

(رساله دعوت از مجموعه رساله‌های تسعه ص ۶۵ از شیخ ولایت  
علی عظیم آبادی)

همین نویسنده در جائی دیگر در باره تاثیر این دعوت در زندگی  
و تغییرات ناشی از آن می‌نویسد:

«تاثیر این گروه متبرک را از اینجا می‌توان پی برد که هر شخص  
که با اخلاص، داخل این گروه می‌گشت و بیعت می‌نمود. دیری  
نمی‌گذشت که از دنیا نفرت کرده و فکر آخرت بر او مستولی می‌شد.  
و روز به روز رشد کرده از شرک و بدعتها پاک می‌گشت. و محبت  
الهی و عظمت اسلام و بزرگداشت دین و علاقه به نماز در قلبش جای  
می‌گرفت و از مخالفان خدا، بیزاری می‌جست و لواینکه پدر و  
پدربرزگ یا فرزند یا استادش بودند. و خوف الهی آنچنان در قلب  
ایجاد می‌گشت که در باره گناهان هیچ مدارات و انعطاف روا  
نمی‌داشت.

به کوشش این گروه انبوهی از مردم نمازخوان شدند این امر بجائی  
رسید. که مخالفین این گروه پیروان خود را به نماز توصیه می‌کردند تا

## ۵. مصلح شهید سید احمد گعنام در آینه تاریخ

مباراً از آنها بگریزند.<sup>۱</sup>

### رساله دعوت از مولانا ولایت علی عظیم آبادی

«مولانا کرامت علی جونپوری» (۱۲۰۹) که یکی از مصلحان و داعیان زمان خود بود. و در بنگال (بنگلادش) که مدتی از زندگی صحیح اسلامی و از تعلیمات اسلام، دور بود بمنزله یک نشانه هدایت و رحمت بود. در کتابچه (مکافات رحمت) درباره حضرت سید چنین می فرماید؛ با توجه به شهرت عمومی ایشان در منطقه نیاز به ذکر کرامت‌ها و صفات بلندش نیست. آخر، از این چه کرامتی بالاتر و بزرگتر؟ که به سبب ایشان در کلیه افشار این دیار عبادات روزه و نماز احیاء گردید.

زمانی بود که در هندوستان زنان مشایخ و علماء نیز به نماز و عبادت اهمیتی قائل نبودند ولی اکنون زنان و مردان هر قومی کاملاً آماده نمازند. خواندن قرآن با تجوید و حفظ رواج گرفته است، تعداد حافظان بقدرتی افزایش یافته است که زنان مردم عوام، حافظ شده‌اند. و بسیاری در روستاهای شهرها مشغول حفظ قرآن می‌باشند.

مسجد‌های قدیم آباد شده و مساجد جدیدی ساخته می‌شود. هزاران نفر به حج و زیارت مکه و مدینه مشرف شدند از شرک و بدعت و رسوم کفر و خلاف شریعت توبه کرده راه حق را در پیش گرفتند کتابهای اسلامی در هر خانه‌ای منتشر شد. آری، «حضرت سید احمد شهید» واقعاً مرشد بحق تمام مسلمانان در این زمان می‌باشد. خواه

---

۱. مولانا ولایت علی رهبر و مریبی گروه صادقین صادق پور بودند که عامل بالحدیث بودند و هنوز هم روش‌شان همین است.

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۵۱

کسی به این مطلب اعتراف کند یا خیر؟ براستی که پیوستن با چنین کسی که خداوند او را مجدد قرار داده است نشانه قوت دین و ایمان است.

### نویسنده گان غرب اعتراف می کنند

عدد زیادی از نویسنده گان غرب (با آن همه سوء تفاهم یا اتهامات عمدی که نمونه آنرا در صفحات پیش ذکر کردیم) به تأثیر عمیق و همه جانبی و نتایج تعلیم و تربیت و حرکت اصلاح و جهاد حضرت سید و توسعه و عظمت آن اعتراف می کنند.

نویسنده معاصر (WILFRED - CANTVELT. SMITH) که حرکتها و موسسه های موجود در کشورهای اسلامی را بدقت مورد مطالعه قرار داده است، در کتاب خود (ISLAM - IN - MODREN HISTORY)

(اسلام در تاریخ جدید) می نویسد. ولی هدف اصلی حرکت و نیروی حرکت بخش آن تا مدتی بطور همه جانبی باقی ماند. این کوشش آنها که سعی می کردند کفار را بیرون برانند تا حدی کوبیده شد. ولی کوشش احیاء و نوسازی جامعه اسلامی و گرایش دادن به اسلام همچنان باقی بود. البته در ضمن، هر دو کار انجام می گرفت. در «هندوستان» به واسطه همین حرکت بود که در قرن بیستم اسلام در جامعه حکمرانی بود و آن را تحرک میبخشد.<sup>۱</sup>

---

۱- new york. ۱۹۵۷ p.۵۳

## ۵۲ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

(P.HARDY)

### The Muslem. In British - INDIA

پی هاردی در کتاب مسلمانان در هند بریتانیا. می نویسد: منظور «سید احمد، بریلوی» برقراری قدرت مغول نبود بلکه او می خواست. در مرزهای هندوستان نمونه و الگوی جامعه اسلامی را آنچنانکه در قرن اول بود بوجود آورد. او بخوبی می دانست که از این طریق مسلمانان تقویت شده و بالآخره یک روز هندوستان را به خاطر خدا فتح خواهد کرد.

پیام و رسالت وی طبقات بالای جامعه را نتوانست متاثر کند ولی طبقه پائین مسلمانان را تحت تاثیر قرار داد.

قبل از قائم شدن جامعه صنعتی این طبقات پائین مشتمل بر کشاورزان سطح پائین - علمای روستاها و شهرها، اساتذه، فروشنده‌گان کتاب، مغازه‌داران، کارمندان سطح پائین بودند.

### جانشین رسول اکرم و امام کامل

اکنون وقت آن رسیده است که کارنامه‌های این امام بزرگ به دقت ارزشیابی گردد و جای واقعی این شخصیت بلند پایه که قرنها مثل آن پیدا نمی شود در تاریخ اصلاح و تجدید مشخص شود. لازم است که پرده از ابعاد گوناگون این مرد بزرگ برداشته شود. و اهداف عالی و طرح های اصلاحی و مبارزاتی و همت بلند و صلاحیتهای نوغ آمیز وی به جهان اسلامی عرضه گردد.<sup>۱</sup>

۱. در این باره بهترین اثری که نوشته شده: کتاب منصب امامت به زبان فارسی از عالم یگانه شیخ محمد اسماعیل شهید است.

## مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ ۵۳

کسی که در پرتو این آیه قرآن درک و فهم صحیح دین را حال نموده: لَقَدْ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَذْ بَعْثَتْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَنْذُرُهُمْ وَإِذَا هُمْ يَرَوُهُمْ يَنْتَهُونَ إِذَا هُمْ يَرَوُهُمْ يَنْتَهُونَ آیاته و یز کیم و یعلمهم الكتاب و الحکمة، و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (آل عمران)

و دین را با توجه به ابعاد گسترده و اهداف بلند و عمیقش شناخته و از نظر عقیده و عبادت و اخلاق و تربیت مورد مطالعه قرار داده و اسلام را در شکل اصلی آن (که زمان صحابه و تابعین پیاده شده بود - نه در شکل ناقص و از هم پاشیده‌ای که بین ظاهر و باطن و جسم و روح و دین و سیاست قائل به جدائی باشد. یا در شکل فلسفه زده‌ای که در اثر عکس العمل در مقابل اندیشه‌های غربی، بطور ناخود آگاه حاصل شده باشد) بررسی کرده باشد. چنین شخصی انصافاً این امام بزرگ را در زمرة نوابغ و رهبران بزرگ و مجاهدین تاریخ ساز جای خواهد داد.

### «عوامل سازنده شخصیت «امام سید احمد شهید»»

اگر سیرت زندگانی حضرت «سید» را به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار بدهیم می‌بینیم که مطالعه عمیق قرآن مجید و پرتو گیری از سیرت رسول اکرم و محبت قلبی با وی که در گوشت و خون او سرایت کرده بود انگیزه شد. که او برای دعوت اسلامی و پیاده کردن اسلام در شکل اصلی آن قیام کند.

در واقع دنیای آن روز شدیداً نیاز به یک مصلح بزرگ داشت که از هر گونه جاه طلبی و منفعت جوئی، و حب مال و مقام خالی بوده با اخلاص و حسن نیت و کثرت دعا و زاری به پیشگاه خداوند متعال، روح تازه‌ای در کالبد اجتماع آن روز بدید. و از سر نو آن را حیات

## ٤٥ مصلح شهید سید احمد گمنام در آینه تاریخ

بخشید مسلم است که چنین شخصی را نمی‌توان با بنیان گذاران دولتها و رهبران احزاب و کشورگشایان و سیاستمداران مقایسه کرد. کسی که در باره قبول و رد، احساس حسن و فبح و اخلاق و عادات، عبادت و دعا، و سیاست، ذوق نبوی را شناخته و با طبیعت پیامبرانه آشنا بود کی داشته باشد. و می‌تواند به این نکته پی ببرد که چه چیزی سبب می‌شود که دلهای انبیاء علیهم الصلاة والسلام بر اثر آن می‌طپد ناراحتی دامنگیرشان می‌گردد، خواب شب از چشمانشان می‌پرد شب و روز در نظرشان یکسان می‌شود، چشم‌های حکمت بر زبانشان جاری می‌گردد سیل اشک از چشم شان ریزش می‌کند و بطوری که با الهام ربانی و کلمات قاطعانه سبب هدایت بزرگترین گمراهان و معاندین می‌گردد.

بلی اگر شخصی اینچنین شناختی داشته و با این سر آشنا شده باشد به آسانی می‌تواند شخصیت بزرگ و یگانه حضرت «سید احمد شهید» را - که بر بسیاری از کاووشگران و اندیشمندان که تحت تاثیر افکار غربی و معیارهای مادی معاصر قرار گرفته‌اند - درک کرده و بشناسد و به احسان او بر امت و خدمات ارزنده‌اش اعتراف نماید.  
«والله يهدى من يشاء إلى صراط مستقيم»

قد حصل الفراغ من هذه الترجمة  
ليلة الاثنين قبل العشاء  
١٥ - محرم ١٤٠٨ هـ

## سعادت و شقاوت در پرتو اعمال

### ترجمه جزاء الأعمال

تألیف: مصلح بزرگ علامه اشرفعلی نہا نوی رحمه اللہ

ترجمه: محمد قاسم فاسمی

این کتاب موضوعات ذیل را مسروحاً مورد بحث و بررسی قرار می دهد.

- ۱- نقش اعمال نیک در این جهان
- ۲- نتیجه اعمال نیک در آخرت چگونه ظاهر میشود؟
- ۳- گناهان چگونه در دنیا مانع خوشبختی میگردند؟
- ۴- تأثیر گناهان در بد بختی انسانها در آخرت،
- ۵- راه تحصیل خوشبختی در دنیا و آخرت چیست؟

## تاریخ دعوت و اصلاح

تألیف: استاد، سید ابوالحسن علی ندوی،  
ترجمه: مولوی محمد ابراهیم دامنی

تاریخ بزرگمردان اندیشه و دعوت اسلامی، و  
بررسی و معرفی خدمات ارزشمند آنان در طول قرون و  
اعصار.

هنگامیکه کشتی اسلام را طوفان فرا می گرفت  
افسردگی و یأس بر اندیشه و دلها حاکم می گشت، آن  
چه را مردانی بودند؟ که قد علم نموده و از اوضاع  
حاکم بر جامعه تحت تأثیر قرار نگرفتند، و روح زندگی  
و تحرك در کالبدها دمیدند و مغزهای خفته را بیدار  
ساختند و نقش پیامبرانهای در احیاء دین ایفاء کردند.  
همان، مطالعه این کتاب برای هر دعوتگر و  
دلسوز اسلام، توشہ بخش راه دعوت و جهاد است.